

ابوهریره رضی عنہ

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
همراه و دوستدار پیامبر

تألیف:

دکتر حارث بن سلیمان

مترجم:

گروه علمی فرهنگی موحدین

عنوان کتاب:

ابوهریره رضی اللہ عنہ همراه و دوستدار پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم

العنوان الأصلي:

أبوهريرة صاحب رسول الله وخادمه: دراسة
حديثية تاريخية هادفة

تأليف:

دکتر حارث بن سليمان

موضوع:

تاريخ اسلام - اهل بيت، صحابه و تابعين

نوبت انتشار:

اول (ديجيتال)

تاريخ انتشار:

دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری

منبع:

سایت عقیده



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه‌ی مؤلف.....	۱
مبحث اول: شرح حال و سیره ابوهریره <small>رضی الله عنه</small>	۵
اسم و نسب.....	۵
اسلام آوردن و همراهی با پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۶
محبت ابوهریره <small>رضی الله عنه</small> با پیامبر و خدمتگذاری او برای پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۷
علم و فضل ابوهریره <small>رضی الله عنه</small>	۱۱
عبادت و تقوای ابوهریره <small>رضی الله عنه</small>	۱۳
تواضع و بزرگواری و خوش اخلاقی ابوهریره <small>رضی الله عنه</small>	۱۵
نیکی ابوهریره <small>رضی الله عنه</small> با مادرش و محبوب بودن او نزد مردم.....	۱۶
تلاش او در پیروی از اطاعت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۸
گفته‌ها و نکته‌های ابوهریره <small>رضی الله عنه</small>	۱۹
روایت‌ها و حفظ او.....	۲۱
شهادت اهل علم به حفظ ابوهریره <small>رضی الله عنه</small>	۲۲
عدالت و راستگوئی او.....	۲۵
روش ابوهریره <small>رضی الله عنه</small> در روایات.....	۲۹
مسلك اول: روایت مجرد احادیث نبوی.....	۲۹
مسلك دوم: روایت‌هایی که فقط روایت محض نیست.....	۳۰

روایاتی که ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند و روایاتی که گفته‌ی خود

اوست ۳۱

اهتمام‌ورزیدن ابوهریره به دعوت و تبلیغ علم ۳۲

۱- روش تشویق ۳۵

۲- روش ترساندن ۳۶

۳- شیوه صراحت‌گویی ۳۶

ابوهریره و اهل بیت رضی الله عنهم ۳۸

آنچه ابوهریره رضی الله عنه در فضائل علی رضی الله عنه روایت کرده است ۳۹

آنچه از ابوهریره در فضائل جعفر بن ابیطالب رضی الله عنه روایت شده است ۴۰

آنچه از او در فضائل حسن و حسین رضی الله عنهما روایت شده است ۴۰

مبحث دوم: شبهات باطلی که در مورد ابوهریره رضی الله عنه مطرح می‌شود

و علل آن ۴۳

مطلب اول: شبهات باطلی که در مورد ابوهریره رضی الله عنه مطرح می‌شود ۴۳

شبهه اول: کثرت روایات ابوهریره رضی الله عنه ۴۳

شبهه دوم: اعتراض به روایات او از سوی بعضی از صحابهش ۵۰

شبهه سوم: اهتمام ابوهریره رضی الله عنه به سیرشدن شکمش ۵۴

شبهه چهارم: پنهان کردن بعضی از روایت‌ها ۵۸

شبهه پنجم: عزل شدن ابوهریره رضی الله عنه توسط عمر رضی الله عنه از فرمانداری بحرین ۶۱

شبهه ششم: متهم کردن ابوهریره رضی الله عنه به حمایت و طرفداری از بنی امیه ۶۴

مطلب دوم: اسباب شبهه پراکنی در باره ابوهریره رضی الله عنه ۶۸

ابوهریره بیشترین تعداد حدیث صحیح را از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است.

..... ۶۹

مهم‌ترین اهداف منتقدان و مخالفان ابوهریره رضی الله عنه عبارت است از: ۶۹

خاتمه ۷۳

مقدمه‌ی مؤلف

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيدنا محمد المبعوث رحمة للعالمين وعلى آله وأصحابه أجمعين أما بعد:

بعضی مردم از روی جهالت یا به از تقلید کسانی که هواپرستی عقل‌هایشان را از دست‌شان گرفته، عادت کرده‌اند که به اصحاب پیامبر توهین روا دارند، غافل از این که اصحاب پیامبر ﷺ کسانی بوده‌اند که به ایشان ایمان آوردند و به همراهی آن حضرت مفتخر گردیده‌اند، و ایشان را یاری کردند و در ساختن تمدن این امت و افتخارات آن و تاریخی که امت به آن می‌بالد، و بر دیگر امت‌ها فخر می‌فروشد نقش زیادی داشته‌اند. آنان با جانفشانی با پیامبر مشارکت کردند؛ اگر بعد از خواست الهی صحابه نمی‌بودند اسلام پیروز نمی‌شد و در اکناف دنیا منتشر نمی‌گردید و در گوشه و کنار جهان نور آن نمی‌تابید. با تلاش‌های آن بزرگواران ملت‌های مختلفی به اسلام رهنمون گردیدند و به سبب آن خوشبخت شده و بر دیگران حکومت کردند، و صحابه به خاطر این کارها و دیگر کارهای بزرگی که ذکر آن در اینجا نمی‌گنجد سزاوار آن شدند که خداوند آنان را بستاید و از آنان اعلام رضایت کند، و سخن از پاداشی بگوید که بهره آنان کرده است، و این مطالب در بسیاری از آیات قرآن بیان شده است: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ مِنْ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ

الْعَظِيمُ ﴿١٣٠﴾ [التوبة: ١٠٠].

«و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند، و برای آنان باغ‌هایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. همیشه در آن جاودانه‌اند. این است همان کامیابی بزرگ».

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ [الفتح: ۱۸].

«به‌یقین الله از مؤمنان که زیر درخت با تو بیعت کردند، راضی شده است؛ او از آنچه در دل‌هایشان می‌گذشت، آگاه بود. پس آرامش را بر آنان نازل کرد و پیروزی نزدیکی به آنان پاداش داد».

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أَوْلِيَّتِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتْلُوا وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسَيْنَ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [الحديد: ۱۰].

«و شما را چه شده که در راه الله انفاق نمی‌کنید و حال آنکه میراث آسمان‌ها و زمین از آن الله است؟ آن دسته از شما که پیش از فتح (مکه) انفاق کردند و (در راه الله) جنگیدند، همسان دیگران نیستند؛ (بلکه اجر و پاداش) کسانی که پس از فتح، انفاق نمودند و جنگیدند، بزرگ‌تر است. و الله به هر یک (از این دو گروه) بهشت را وعده داده است. و الله به کردارتان آگاه است».

و همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را در احادیث زیادی ستوده و از آنان تقدیر نموده و آنان را از دیگران برتر دانسته است، از آن جمله:

می‌فرماید: «بهترین مردم کسانی‌اند که در قرن من زندگی می‌کنند، سپس کسانی که بعد از آن‌ها می‌آیند و سپس آنان که بعد از آن‌ها می‌آیند...»^(۱).

و می‌فرماید: «به یارانم ناسزا نگوئید، به یارانم ناسزا نگوئید، سوگند به کسی که جانم در دست اوست اگر کسی از شما به اندازه‌ی کوه احد طلا صدقه کند به اندازه‌ی مشت آنان و یا حتی نیم آن مشت هم نمی‌رسد»^(۲).

و می‌فرماید: «الله الله در باره اصحابم، اصحاب مرا نشانه قرار ندهید، هرکسی آنان را دوست بدارد از دوستی من آنان را دوست داشته است و هرکسی آنان را مبعوض بداند از دشمنی من با آنان دشمنی و کینه ورزیده است، و هرکسی به آنان آزار رساند به من آزار رسانیده است، و هرکسی به من آزار برساند به خداوند آزار رسانیده است. و هرکس به خداوند آزار برساند به زودی خداوند او را می‌گیرد»^(۳).

اما با وجود آن که خداوند صحابه را ستوده و از آنان اعلام رضایت کرده و پیامبر ﷺ از آنان تقدیر کرده است و آنان را بر دیگر افراد این امت برتر شمرده زبان‌ها و قلم‌هایی مزدور حملات خود را برشماری از سابقین اولین و غیره متمرکز کرده است.

اینان چیزهایی را از زبان صحابه نقل می‌کنند که صحابه آن را نگفته‌اند و اموری به آنان نسبت می‌دهند که آن را انجام نداده‌اند و به چیزهایی آنان را متهم می‌کنند که از آن پاک هستند، این گروه به آیات قرآن که صحابه را تائید و پاکی ایشان را بیان می‌دارد و به احادیث پیامبر ﷺ که فضیلت

۱- بخاری: ۳/ ۳۵ و مسلم: ۷/ ۱۸۵.

۲- بخاری: ۷/ ۲۱ و مسلم: ۷/ ۱۸۸ و ابوداود: ۴/ ۲۱۴ و ابن حبان: ۸/ ۱۸۸.

۳- ابن حبان: ۸/ ۱۸۹.

صحابه را متذکر می‌شود توجهی ندارند، و بلکه فقط به روایات دروغینی از تاریخ که ساخته و پرداخته کسانی است که در حقیقت دشمن اسلام بوده و تظاهر به اسلام می‌کرده‌اند استناد می‌ورزند، روایاتی که دیدگاه‌های هوپرستانه، این روایت‌ها را آنقدر بزرگ جلوه داده تا جایی که دیگر از حقائق یا مانند حقائق قرار گرفته است، حال آن که در حقیقت هیچ اساسی ندارند و فقط اوهام و تخیلاتی است که محصول فهم‌ها و دیدگاه‌های بیمارگونه است و نتیجه‌گیری‌هایی غلط و نادرست می‌باشد.

در این نوشته مختصر از یکی از صحابه بزرگوار که زبان‌های بد او را هدف قرار داده و به تهمت‌های دروغین و بیمار گونه‌ای که ناشی از تعصب عمیق است، متهم کرده‌اند سخن خواهیم گفت. این صحابی بزرگوار همراه و خادم رسول الله صلی الله علیه و آله و حافظ سنت ایشان ابوهریره رضی الله عنه است.

ایشان را به شما معرفی خواهیم کرد و در مورد صحبت و همراهی وی با پیامبر صلی الله علیه و آله و از تلاش‌های او در خدمت به سنت نبوی سخن خواهیم گفت، و پاره‌ای از شبهاتی که در مورد او مطرح شده را با زبان واضح و ساده و به دور از پیچیدگی در عین حال مختصر بیان خواهیم کرد تا قابل فهم برای همه اقشار جامعه باشد. به امید اینکه مشارکتی باشد در کنار آنچه که بزرگواران قبلا نوشته‌اند، در تعریف و شناساندن این صحابی جلیل و عدالت ایشان و از بین برده شبهات بی اساس و دروغ‌هایی که پیرامون ایشان مطرح می‌شود. و از خداوند طلب یاری و عون و توفیق دارم.

دکتر حارث بن سلیمان

۱۵ / محرم الحرام ۱۴۲۰ هـ

۱ / ۵ / ۱۹۹۹ م

مبحث اول:

شرح حال و سیره ابوهریره رضی الله عنه

اسم و نسب

در مورد اسم ابوهریره رضی الله عنه قبل از اسلام اختلاف وجود دارد و در این مورد چند قول ذکر شده است. گفته‌اند: اسم او عبدشمس بن صخر بوده و گفته‌اند عبد عمرو بن غنم، و غیر از این همه گفته شده است، همچنان در مورد اسم ایشان بعد از اسلام نیز اختلاف هست که معروف‌ترین قول این است که بعد از اسلام اسم او عبدالرحمن بن صخر بوده است، روایت شده که او گفت: اسم من در دوران جاهلیت عبدشمس بن صخر بود، آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله مرا عبدالرحمن نامید^(۱)، اما هر اسمی که داشته ولی کنیه‌اش (ابوهریره) بر اسمش غالب بوده است و ایشان فقط با همین کنیه شناخته می‌شود و وقتی که به صورت مطلق گفته شود او مد نظر قرار می‌گیرد. در مورد این که چرا این کنیه برای او انتخاب شده از او چنین روایت شده که گفت: «من گوسفندان خانواده‌ام را می‌چراندم، گربه کوچکی داشتم، وقتی شب می‌شد آن را در درختی می‌گذاشتم و روزها آن را با خود می‌بردم و با آن بازی می‌کردم، پس از آن مرا اباهریره نامیدند»^(۲).

در مورد نسب ابوهریره مؤرخان می‌گویند او از قبیله دوس ازدی یمن است، و ایشان در سال ۵۷ هـ و گفته‌اند ۵۸ هـ و گفته‌اند ۵۹ هـ در سن ۷۸

۱- مستدرک حاکم: ۳ / ۵۰۷ و الإصابة ابن حجر: ۴ / ۲۰۲ و الإستیعاب ابن عبدالبر،

الإصابة: ۴ / ۲۰۵.

۲- ترمذی: ۵ / ۳۵۰ و مستدرک حاکم: ۳ / ۵۰۶.

سالگی درگذشت، امام ذهبی قول اخیر را ضعیف شمرده و امام ابن حجر قول اول را تایید نموده است. ایشان در مدینه درگذشتند و در بقیع به خاک سپرده شدند، عبدالله بن عمر و ابوسعید خدری رضی الله عنهما از تشییع کنندگان جنازه ایشان بودند^(۱).

اسلام آوردن و همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله

ابوهریره رضی الله عنه در محرم سال هفت هجری وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوه خیبر بود اسلام آورد و در جنگ خیبر همراه پیامبر شرکت نمود، از سعید بن مسیب از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: (همراه پیامبر در جنگ خیبر حضور داشتم...) ^(۲).

و ابی الغیث از ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که گفت: «همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی خیبر رفتیم و خداوند ما را پیروز کرد...» ^(۳).

همچنان بعد از خیبر در دیگر جنگ ها و صحنه ها حضور داشت، و در کنار افتخار همراهی پیامبر افتخار جهاد در راه خدا را نیز به دست آورد، دوران همراهی ابوهریره رضی الله عنه با پیامبر صلی الله علیه و آله چهار سال واندی است ^(۴) که او در این مدت کاملاً و همواره همراه پیامبر بود و فقط برای فراگرفتن از پیامبر خود را از همه چیز خالی فارغ کرده بود. او دست در دست پیامبر گذاشته و هر جا که پیامبر صلی الله علیه و آله می رفت ابوهریره با ایشان همراه بود و نه در سفر و نه در

۱- مستدرک حاکم: ۳ / ۵۰۸، و سیر أعلام النبلاء و ذهبی: ۲ / ۲۶۲ - ۶۲۷ و الإصابة ابن حجر: ۴ / ۲۱۰.

۲- بخاری: ۵ / ۷۴.

۳- فتح الباری: ۶ / ۲۲۵ و مسلم شرح نووی: ۱ / ۴۲ - ۴۳ و مسند احمد: ۱۵ / ۲۲۵.

۴- مسلم با شرح نووی: ۲ / ۱۲۸.

غیر سفر از پیامبر جدا نمی‌شد، چون خرید و فروش و خانواده و اموالی نداشت که به آن مشغول شود.

در روایت صحیح از او نقل شده که گفت: شما می‌گوئید که ابوهیریه به کثرت از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث روایت می‌کند، من مرد فقیری بودم که برای پرکردن شکم خود همراه پیامبر بودم، مهاجرین به داد و ستد در بازارها مشغول بودند و انصار با اموال خود مشغول بودند، در مجلسی با پیامبر صلی الله علیه و آله نشستیم، فرمود: «چه کسی چادرش را پهن می‌کند تا سخنم را تمام کنم سپس آن را جمع کند، آنگاه هرگز چیزی را که از من شنیده فراموش نخواهد کرد، من چادرم را پهن کردم تا آن که پیامبر سخنش را به پایان رسانید و سپس چادر را جمع کرد و به من داد، سوگند به خدا از آن به بعد هیچ چیزی را که شنیده‌ام فراموش نکرده‌ام»^(۱).

و اینگونه می‌بینیم که برکت همراهی ابوهیریه رضی الله عنه با پیامبر صلی الله علیه و آله او را سرا تا پا فرا گرفت و خداوند به برکت این همراهی و خدمتگذاری به حفظ آنچه از پیامبر شنیده و فراموش نکردنش را، ارزانی کرد.

محبت ابوهیریه رضی الله عنه با پیامبر و خدمتگذاری او برای پیامبر صلی الله علیه و آله

ابوهیریه به شدت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست می‌داشت و بسیار به ایشان صلی الله علیه و آله اعتماد می‌نمود و کارهایی می‌کرد که پیامبر خوشحال می‌شد، ابوهیریه با شادمانی پیامبر صلی الله علیه و آله شادمان می‌شد و با ناراحتی ایشان ناراحت می‌گردید، و توهین به آنحضرت ابوهیریه را سخت ناراحت می‌کرد حتی اگر این توهین را نزدیکترین فرد به ابوهیریه به ایشان می‌نمود، در روایت صحیح از ابوهیریه نقل شده که گفت: «مادرم را به اسلام دعوت می‌دادم، در حالیکه او مشرک

بود. روزی او را به پذیرفتن اسلام دعوت دادم، سخن ناپسندی در باره رسول الله صلی الله علیه و آله به زبان آورد، در حالی که گریه می‌کردم نزد پیامبر آمدم و گفتم: ای رسول خدا! مادرم را به اسلام دعوت می‌دادم او نمی‌پذیرفت، امروز وقتی او را به پذیرفتن دین اسلام فرا خواندم در مورد شما سخنی به زبان آورد که آن را نمی‌پسندم، دعا کن خداوند مادر ابوهریره را هدایت کند».

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بار خدایا! مادر ابوهریره را هدایت کن». و من با دریافت مژده دعای پیامبر به سوی خانه بیرون آمدم وقتی به خانه رسیدم دیدم در بسته است، مادرم صدای قدم مرا شنید و گفت: ابوهریره در جای بمان، و من صدای آب را می‌شنیدم، مادرم غسل کرد و چادرش را پوشید و بدون آن که روسری بر سر کند درب را باز کرد و سپس گفت: ای ابوهریره، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». ابوهریره می‌گوید: به سوی پیامبر بازگشتم و در حالی که از شوق شادی گریه می‌کردم نزد ایشان آمدم، و گفتم: ای رسول خدا، شادباش، خداوند دعایت را پذیرفت و مادر ابوهریره را هدایت کرد، آنگاه پیامبر خدا را ستایش گفت و فرمود: خوب است...»^(۱).

این حدیث به ما نشان می‌دهد که ابوهریره چقدر پیامبر را دوست می‌داشت که وقتی به پیامبر سخن ناشایستی گفته شد ابوهریره گریه کرد، و همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله ابوهریره را گرامی داشت و وقتی ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله خواست که برای هدایت مادرش دعا کند این ایشان خواسته ابوهریره را پذیرفت و برای هدایت مادرش دعا کرد و مادرش به برکت آن دعا هدایت شد که به سبب آن شادمانی ابوهریره چندبرابر گردید و از شادی گریست.

۱- مسلم شرح نووی: ۱۶ / ۵۱ - ۹۲ و ابن حبان ۸ / ۱۴۲. و لفظ حدیث از مسلم است.

ابوهریره محبتی که با پیامبر صلی الله علیه و آله داشت را اینگونه تعبیر می‌کرد: «خلیل و محبوبم مرا به سه چیز توصیه نموده است که تا وقتی زنده هستم آن سه چیز را رها نمی‌کنم و عبارتند از: روزه گرفتن سه روز در هر ماه، و خواندن نماز چاشت، و خواندن نماز وتر قبل از خواب»^(۱).

و می‌گوید: «از خلیل و محبوبم شنیدم که می‌گفت: زیور الآت مؤمن تا جاهایی می‌رسد که وضوء شامل آن می‌شود»^(۲).

و چنان علاقه‌مند همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله بود که هیچ فرصتی را برای خدمت پیامبر از دست نمی‌داد و بلکه آن را غنیمت می‌شمرد و از آن استفاده می‌نمود، از آن جمله این که آب وضوء ایشان را (در ظرف چرمی) حمل می‌کرد، بخاری روایت می‌کند ابوهریره رضی الله عنه آب وضوء و آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله به آن نیاز داشت را برای ایشان می‌برد، باری که ابوهریره داشت آب وضوء پیامبر را با خود به دنبال ایشان می‌برد، پیامبر فرمود: این کیست؟ گفت: ابوهریره هستم، فرمود: «سنگ‌هایی برایم بیاور که با آن استنجا می‌کنم و استخوان و سرگین حیوان بیاور». آنگاه که در گوشه‌ای از لباس گذاشته بودم آوردم و کنار ایشان نهادم و سپس برگشتم...»^(۳).

و همچنین ابوزرعه بن عمرو بن جریر از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: «پیامبر صلی الله علیه و آله وارد دستشویی شد، در ظرفی برایش آب آوردم، آنگاه ایشان استنجا نمود و سپس دستش را بر زمین مالید و سپس آن را شست و سپس ظرفی دیگر پر از آب آوردم و ایشان با آن وضوء گرفت»^(۴).

۱- بخاری: ۵۴ / ۲ و مسلم: ۱۵۸ / ۲. و لفظ حدیث از بخاری است.

۲- مسند احمد: ۲۷ / ۱۷.

۳- بخاری: ۲۴۰ / ۲.

۴- مسند احمد: ۲۳۹ / ۱۵.

و همچنین مجاهد از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: پیامبر خدا از کنارم عبور کرد و از چهره‌ام شناخت که گرسنه‌ام، فرمود: ابوهریره؟ گفتم: بله ای رسول خدا! و همراه او وارد خانه شدم ایشان دید که لیوانی پر از شیر است، گفت: این از کجا برایتان آمده؟ گفتند: فلانی برای تو فرستاده است، فرمود: ای اباهریره برو پیش اهل صغه و آنان را فرا بخوان، اهل صغه میهمانان اسلام بودند که نه خانواده داشتند و نه مال، هرگاه صدقه و زکاتی نزد پیامبر می‌آوردند آن را به آنان می‌داد و خودش از آن استفاده نمی‌کرد و هرگاه هدیه‌ای به او می‌دادند از آن استفاده می‌کرد و اصحاب صغه را نیز شرکت می‌داد، من از این که مرا برای فراخواندن اهل صغه فرستاد ناراحت شدم، و با خودم گفتم: می‌خواستم از این شیر بخورم و قوت بگیرم و این شیر در میان اهل صغه به کجا می‌رسد، اما چاره‌ای جز اطاعت از پیامبر نبود، نزد اهل صغه آمدم و آنان با اجابت فراخوان آمدند وقتی نشستند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ابوهریره شیر را بردار و به آنان بده، و من شروع کردم به دادن شیر هریکی آن را می‌گرفت و می‌نوشید تا آن که سیر می‌شد، تا آنکه به همه دادم، و لیوان شیر را پیامبر صلی الله علیه و آله گرفت و با لبخند سرش را به سوی من بلند کرد و گفت: «من و تو باقی مانده‌ایم» گفتم: بله ای رسول خدا! فرمود: بنوش، و من نوشیدم، فرمود: بنوش، و نوشیدم، باز فرمود: بنوش و من نوشیدم، و ایشان همچنان می‌گفت: بنوش و من می‌نوشیدم تا این که گفتم: سوگند به کسی که تو را به حق فرستاده دیگر گنجایشی نیست، آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله لیوان شیر را گرفت و باقی شیر را نوشید»^(۱).

۱- سیر أعلام النبلاء ذهبی: ۲ / ۵۹۱-۵۹۲، و اصل این روایات در بخاری، کتاب الرقاق:

این روایت و روایت‌های پیش از این این مطلب را انعکاس می‌دهد که ابوهیره رضی الله عنه به شدت به خدمت‌گذاری پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه‌مند بود، و همچنین این قضیه را منعکس می‌کند که پیامبر چقدر اینار می‌کرد و یارانش را بر خود ترجیح می‌داد که شیری که به ایشان هدیه شده بود را نوشید، مگر بعد از آن که همه نوشیدند و به لطف برکت پیامبر صلی الله علیه و آله سیر شدند.

علم و فضل ابوهیره رضی الله عنه

ابوهیره از علما و فضلالی صحابه بود، روایت بسیاری صحابه از او و مراجعه ایشان در فتوا به او به این امر گواهی می‌دهد. عده‌ای از صحابه از این صحابی بزرگ حدیث روایت کرده‌اند؛ از جمله: صحابه زید بن ثابت، ابویوب انصاری، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر، ابی بن کعب، جابر بن عبدالله، عائشه، مسور بن محزمه، ابوموسی اشعری، انس بن مالک و ابورافع رضی الله عنه مولای پیامبر صلی الله علیه و آله و کسانی دیگر از صحابه، و از تابعین قبیصه بن ذؤیب و سعید بن مسیب و عروه بن زبیر و سالم بن عبدالله بن عمر و ابوسلمه بن عبدالرحمن و ابوصالح السمان و عطاء بن ابی رباح و عطاء بن یسار و مجاهد و شعبی و ابن سیرین و عکرمه و نافع مولای ابن عمر و ابوادریس الخولانی و غیره از ابوهیره رضی الله عنه حدیث روایت کرده‌اند^(۱).

بخاری رضی الله عنه می‌گوید: هشتصد نفر یا بیشتر از او روایت کرده‌اند^(۲). و همانطور که از او حدیث روایت می‌کرده‌اند در سوال و فتوا نیز به او مراجعه می‌نمودند. بعضی او را در فتوا مقدم داشته و فتوایش را تأیید می‌کردند. شافعی رضی الله عنه از مالک از یحیی بن سعید از بکیر بن أشج از معاویه

۱- مستدرک حاکم: ۳ / ۵۱۳، الذهبی، سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۵۸۰-۵۸۵.

۲- تذكرة الحفاظ الذهبی: ۱ / ۳۶، و الإصابة: ۶ / ۲۰۵.

بن ابی عیاش انصاری روایت می‌کند که او با ابن زبیر نشستند بود، محمد با ایاس بن بکیر آمد و او را در مورد مردی پرسید که قبل از آمیزش زنش را سه طلاقه کرده است، او آن مرد را نزد ابوهریره و ابن عباس رضی الله عنهما که پیش عائشه رضی الله عنها بودند فرستاد، او رفت و از آن‌ها پرسید، ابن عباس به ابوهریره گفت: «به او فتوا بده ای ابوهریره، مسئله مشکلی برایت آمده است» ابوهریره گفت: «یک طلاق زن را باین و جدا می‌کند و سه طلاق آن را برای همیشه حرام می‌نماید، مگر آن که شوهری دیگر کند و شوهرش دوّمی طلاقش دهد آنگاه برای شوهر اولی حلال می‌شود، و ابن عباس هم همین را گفت»^(۱).

و زهری از سالم روایت می‌کند که گفت: از ابوهریره شنیدم که می‌گفت: «قومی که در احرام بودند از من پرسیدند که کسانی که در احرام نبوده‌اند به آنان گوشت شکاری را هدیه کرده‌اند، من به آنان گفتم بخورید»^(۲).
و از زیاد بن مینا روایت است که گفت: ابن عباس و ابن عمر و ابوسعید و ابوهریره و جابر رضی الله عنه و کسانی مانند آن‌ها از زمان وفات عثمان رضی الله عنه تا وقتی که خودشان دیده از جهان فرو بستند در مدینه فتوا می‌دادند، و فتوا به این پنج نفر ارجاع می‌شد^(۳).

و همین قدر کافی است که فردی مانند ابن عباس به ابوهریره احترام قائل می‌شود و می‌گوید: ابوهریره فتوا بده^(۴).

۱- موطا مالک: ۵۷ / ۲ و مسند شافعی: ۳۶ / ۲.

۲- موطا مالک: ۳۵۱ - ۳۵۲.

۳- سیر أعلام النبلاء ذهبی: ۶۰۶ - ۶۰۷.

۴- سیر أعلام النبلاء ذهبی: ۶۰۹ / ۲.

عبادت و تقوای ابوهریره رضی الله عنه

ابوهریره به عبادت و تقوا معروف بود، چرا اینگونه نباشد و حال آن که او با بهترین الگو در عبادت، همراه بوده و ایشان را دیده بود که چگونه در عبادت می‌کوشید و خود را خسته می‌کرد و چنان عبادت می‌نمود که پاهایش ورم می‌کرد، و ابوهریره نیز نماز و روزه زیاد می‌گرفت و زیاد قرآن تلاوت می‌کرد و نماز شب می‌خواند.

حماد بن زید از عباس جریر روایت می‌کند که گفت: از ابا عثمان نه‌دی شنیدم که گفت: هفت روز میهمان ابوهریره بودم، وقتی شب می‌شد او و زن و خدمتگزارش به نوبت می‌خوابیدند، یکی نماز می‌خواند و سپس دیگری را بیدار می‌کرد و او به نماز مشغول می‌شد و این یکی می‌خوابید و سپس او بعدی را بیدار می‌کرد، می‌گوید: گفتیم: ای ابوهریره چقدر روزه می‌گیری؟ گفت: از اول ماه سه روز روزه می‌گیرم، اگر اتفاقی برآیم بیفتد در آخر ماه روزه می‌گیرم^(۱).

و ابن حریج از ابوهریره روایت می‌کند که گفت: من شب را به سه قسمت تقسیم می‌کنم، یک قسمت برای خواندن قرآن و در قسمتی دیگر می‌خوابم و در قسمتی دیگر حدیث پیامبر را یادآوری می‌کنم^(۲). و در روایت صحیح از او نقل شده است: محبوبم صلی الله علیه و آله مرا به سه چیز توصیه نمود: «روزه گرفتن سه روز از هر ماه، و خواندن دو رکعت نماز چاشت، و خواندن نماز وتر قبل از خواب»^(۳).

۱- مسند احمد: ۱۶ / ۲۶۰.

۲- ابن کثیر: البدایة والنهائة: ۸ / ۱۱۳.

۳- بخاری: ۲ / ۲۴۷.

و از حماد بن سلمه، از هشام بن سعید بن زید انصاری از شرحبیل روایت است که ابوهریره روزهای دوشنبه و پنجشنبه روزه می‌گرفت^(۱).

و در کنار این ابوهریره به کثرت تسبیح و حمد خداوند می‌گفت، چنان که از خداوند به کثرت هراس داشت و بسیار از دوزخ برحذر می‌داشت.

از میمون بن میسره روایت است که گفت: ابوهریره هر روز دو فریاد در اول روز و در آخر آن سر می‌داد، می‌گفت: شب رفت و روز آمد، و آل فرعون بر آتش عرضه گردید، هیچکسی این فریاد ابوهریره را نمی‌شنید، مگر آن که از دوزخ به خداوند پناه می‌برد^(۲).

این مبارک روایت می‌کند که ابوهریره در بیماری‌اش گریه کرد، گفتند: چرا گریه می‌کنی؟ گفت: «برای این دنیای شما گریه نمی‌کنم و بلکه برای دوری راه سفرم و اندک بودن توشه‌ام و برای اینکه من به یک جای بلندی رفته‌ام که پایین آن یا بهشت است یا دوزخ؛ و من نمی‌دانم مرا به کدام یک می‌برند، گریه می‌کنم»^(۳).

و همچنین از او روایت است که ابوهریره رضی الله عنه گفت: «به هیچ نعمتی که انسان فاسق از آن بهره‌مند است رشک نبر، چون چیزی دنبال او است که همواره آن را می‌طلبد، و آن جهنم است و هرگاه آتش آن کم شود آن را بیشتر می‌افزودیم». و ابن کثیر می‌گوید: «ابوهریره از صداقت و قوت حافظه و دیانت و عبادت و زهد و عمل صالح فراوانی برخوردار بود»^(۴).

۱- سیر أعلام النبلاء ذهبی: ۲ / ۶۱۰.

۲- سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۶۱۱.

۳- سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۶۲۵.

۴- ابن کثیر: البدایة والنهائة: ۸ / ۱۱۳.

تواضع و بزرگواری و خوش اخلاقی ابوهیریه علیه السلام

ابوهیریه علیه السلام به فروتنی همه جانبه‌اش در تمام مراحل زندگی‌اش معروف است. و بعد از آن که خداوند به او نعمت علم و مقام و فضل را داد او گذشته‌اش را فراموش نکرد، مانند کسانی که وقتی روزهای خوشی داشته باشند و خداوند آنان را در رفاه و آسایش قرار دهد ایشان گذشته را از یاد می‌برند، و بلکه ابوهیریه گذشته‌اش را و محرومیت و فقرش را به خاطر می‌آورد تا خداوند را در برابر نعمت دین و دیگر نعمت‌ها سپاس گذارد، از او روایت است که گفت: یتیم بزرگ شدم، و با بینوایی هجرت کردم و برای دختر غزوان فقط در برابر سیرشدن شکم خود کار می‌کردم، وقتی آنان سوار می‌شدند شتر آن را از پشت به حرکت درمی‌آوردم و آواز حدی را سر می‌دادم، و چون آنان پائین می‌آمدند هیزم جمع می‌کردم؛ پس ستایش خداوندی راست که دین را مایه زندگانی گردانید و ابوهیریه را بعد از آن که در برابر سیرشدن شکمس و سوارکردنش بر شتر برای دختر غزوان کار می‌کرد امام و پیشوا قرار داد^(۱).

و ذهبی می‌گوید: ابوهیریه دریایی از علم بود که در کوزه‌ای خلاصه شده بود و در ضمن این دانش، بزرگوار و عابد و فروتن بود^(۲).

و او به اضافه تواضع و فروتنی‌اش سخاوتمند بود، و چرا چنین نباشد و حال با کسی همراه بود که از باد سخاوتمندتر بود. ابونضره العبیدی از طفاوی روایت می‌کند که گفت: شش ماه در مدینه پیش ابوهیریه اقامت

۱- سیر أعلام النبلاء: ۶۱۱ / ۲، البداية والنهاية: ۱۱۳ / ۲.

۲- تذكرة الحفاظ: ۳۴ / ۱.

نمودم، هیچکسی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را با همت‌تر و کوشاتر و میهمان‌نوازتر از او نیافتیم^(۱).

شاید منظورش کسانی از صحابه رضی الله عنهم باشد که او را میهمانی نموده بودند نه همه صحابه، چون در میان صحابه کسانی بوده‌اند که اقیانوس بی‌کران سخاوت بوده‌اند، و ابوهریره رضی الله عنه در ضمن فروتنی و سخاوت شوخ طبع و صریح بود، با هیچکسی کینه‌ای نداشت و به آنچه دیگران داشتند چشم طمع نمی‌دوخت و به آنچه خود داشت راضی بود و شکر خدا را می‌گفت از او روایت است که گفت: ستایش خداوندی را سزااست که ما را از نان سیر کرد بعد از آنکه غذای ما چیزی نبود غیر از آب و خرما^(۲).

نیکی ابوهریره رضی الله عنه با مادرش و محبوب بودن او نزد مردم

ابوهریره رضی الله عنه با مادرش به نیکی رفتار می‌کرد، چنان‌که وقتی به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله هجرت کرد مادرش را با این که در آن وقت مشرک بود همراه خود به مدینه آورد به امید این که مسلمان شود، و خداوند آرزوی ابوهریره را تحقق بخشید، و پیامبر صلی الله علیه و آله به خواسته ابوهریره برای مادرش دعا کرد و مادرش مسلمان شد در حالیکه اشک خوشحالی بر دیدگان ابوهریره جاری گشت.

از ابوهریره روایت است که گفت: روزی از خانه به سوی مسجد رفتم گروهی را دیدم گفتند: چرا بیرون آمده‌ای، گفتم: از گرسنگی، گفتند: سوگند به خدا که ما هم از گرسنگی بیرون آمده‌ایم، آنگاه بلند شدیم و آمدیم نزد پیامبر صلی الله علیه و آله، و ایشان فرمود: چه چیزی سبب شده که این وقت بیائید؟ ما

۱- تذکرة الحفاظ: ۱ / ۳۵، و سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۵۹۳.

۲- سیر أعلام النبلاء ذهبی: ۲ / ۶۱۰.

ایشان را از علت آمدن خود باخبر نمودیم. ایشان کاسه‌ای که خرما داشت بود را طلبید، و به هریک از ما دو دانه خرما داد و فرمود: «این دو خرما را بخورید و به دنبال آن آب بخورید امروز شما را کفایت می‌کنند». من یکی از خرماها را خوردم و دیگری را پنهان کردم، فرمود: ای ابوهریره آن را چه کار می‌کنی؟ گفتم: برای مادرم می‌برم. فرمود: آن را بخور برای مادرت دو تا به شما می‌دهیم^(۱).

و ابن شهاب زهری روایت می‌کند که ابوهریره رضی الله عنه به حج نرفت تا وقتی که مادرش فوت کرد، چون در کنار مادرش بود^(۲).

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که وقتی از پیامبر خواست که دعا کند مادرش مسلمان شود گفت: ای پیامبر خدا دعا کن خداوند مرا و مادرم را محبوب مؤمنان قرار دهد و مؤمنان را محبوب ما بگرداند». آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بار خدایا! این بنده‌ات (یعنی ابوهریره) و مادرش را محبوب مؤمنان بگردان و مؤمنان را محبوب آنان کن...^(۳).

این کثیر می‌گوید: این حدیث از نشانه‌های نبوت است، همه مردم ابوهریره رضی الله عنه را دوست دارند و خداوند او را به سبب روایاتش مشهور و معروف کرده است^(۴).

۱- الطبقات ابن سعد: ۴ / ۳۲۹ و سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۵۹۲.

۲- الطبقات: ۴ / ۳۲۹.

۳- مسلم با شرح نووی.

۴- البدایة: ۸ / ۱۰۸.

تلاش او در پیروی از اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله

رفتار عملی ابوهریره رضی الله عنه نشانگر این بود که او به شدت می کوشید تا در کارها از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی نماید و به گفته‌ها و افعال ایشان صلی الله علیه و آله اقتدا نماید، چون خداوند می فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷].

«آنچه پیامبر به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت، باز آیید».

ابوهریره رضی الله عنه به این فرمان الهی جامه عمل پوشانید و از سویی محبت صادقانه پیامبر که دل‌های یارانش سرشار از آن بود و تمام اعضا و جوارح و احساسات آنان غرق این محبت بود ابوهریره را بر آن داشته بود تا به شدت از پیامبر صلی الله علیه و آله تا جایی که می‌تواند پیروی نماید.

مثال‌های ذیل تأکیدی است بر آن چه گفتیم:

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: محبوبم مرا به سه چیز توصیه نمود که آن سه چیز را تا دم مرگ رها نخواهم کرد: روزه گرفتن در ماهی سه روز، و نماز چاشت، و خواندن وتر قبل از خواب.

و گفت: نماز من از شبیه‌ترین نماز به پیامبر است در میان شما؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی می گفت: «سمع الله لمن حمده»، بعد می گفت: «ربنا ولك الحمد» و به هنگام رفتن به رکوع «الله اکبر» می گفت و وقتی سرش را بلند می کرد و وقتی بعد از سجده دوم بلند می شد می گفت: «الله اکبر»^(۱).

ابوهیریه می‌گفت: قبل از خواب و بعد از بیداری و قبل از غذا و بعد از غذا همان کلماتی را می‌گویم که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌ام که آن را گفت^(۱).

و سعید مقبری از ابوهیریه رضی الله عنه روایت می‌کند که او از کنار گروهی عبور کرد که گوسفندی کباب شده جلوی آن‌ها گذاشته شده بود، آنان او را دعوت دادند، اما نخورد. و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی از دنیا رفت که از نان جو سیر نشد^(۲).

مثال‌های که بیان شد برای این که نشان دهد ابوهیریه رضی الله عنه تا چه اندازه از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی می‌کرده کافی است.

گفته‌ها و نکته‌های ابوهیریه رضی الله عنه

گفته‌ها و نکته‌هایی مملو از موعظه و مفاهیمی که نشانگر قوت ایمان ابوهیریه رضی الله عنه به خدا و روز قیامت بوده از ایشان نقل شده است، این گفته‌ها به گستردگی درک و فهم دراز تعالیم اسلام و ابعاد آن و شناخت دنیا و بی‌علاقه‌بودنش به دنیا اشاره دارد، بخشی از این گفته‌ها را ذکر می‌کنیم تا عمق مفاهیم آن را مورد بررسی قرار دهیم:

از آن جمله گفته‌ی ابوهیریه به ابی سلمه بن عبدالرحمن که وقتی ابوهیریه برای بهبودی‌اش دعا کرد گفت: ای ابا سلمه اگر می‌توانی بمیری بمیر، سوگند به کسی که جان ابوهیریه در دست اوست که به زودی زمانی بر علما خواهد آمد که هریک از آنان مرگ را از طلای سرخ بیشتر دوست

۱- مسند احمد: ۱۶/۱۸.

۲- بخاری: ۲۰۵/۶.

خواهد داشت، و یا به زودی زمانی خواهد آمد که مرد بر کنار قبر مسلمانی می‌آید و می‌گوید: دوست دارم که من صاحب این قبر بودم^(۱).

و ابوالمتوکل روایت می‌کند که ابوهریره کنیزی داشت که آنان را ناراحت کرده بود، روزی ابوهریره برای او شلاق بلند کرد و گفت: اگر قصاص نمی‌بود تو را با این شلاق می‌زدم، ولی تو را به کسی می‌فروشم که قیمت تو را به من کاملاً خواهد داد، برو برای خدا آزاد هستی^(۲).

و گفت: همانا این زباله‌دان مایه هلاکت شما در دنیا و آخرت است، یعنی اموال و شهوات.

و معمر از او روایت می‌کند که هرگاه جنازه‌ای را از کنار او می‌بردند می‌گفت: شام بروید ما صبح به دنبالتان خواهیم آمد، صبح بروید ما شام به دنبالتان خواهیم آمد، موعظه‌ای بلیغ و غفلتی زودگذر، اولی می‌رود و دومی باقی می‌ماند در حالی که عقل ندارد^(۳).

یکی از مردم مدینه خانه‌ای ساخت و از ابوهریره پرسید که روی درب خانه‌ام چه بنویسم؟ گفت: «بنویس: برای ویرانی بساز، برای یتیم‌شدن بچه بیاور، و برای وارث مال جمع کن»^(۴).

و گفت: «هیچ دردی نزد من دوست‌داشتنی‌تر از تب نیست، چون تب بر هر مفصلی سهمیه دردش را می‌دهد، و خداوند به هر مفصلی سهمیه‌اش را از پاداش می‌دهد»^(۵).

۱- الطبقات ابن سعد: ۴ / ۳۳۷.

۲- ابونعیم الحلیة: ۲ / ۳۸۴ و صفة الصفوة ابن جوزی: ۱ / ۶۹۲.

۳- البداية: ۸ / ۱۱۴ - ۱۱۵.

۴- ابونعیم الحلیة: ۲ / ۳۸۵.

۵- ابن جوزی صفة الصفوة: ۱ / ۶۹۲.

و در بیماری اش گفت بار خدایا دیدار تو را دوست دارم؛ پس دیدارم را دوست بدار^(۱).

و به دخترش گفت: طلا نپوش می ترسم به آتش گرفتار نشوی.

ابوهیریه رضی الله عنه دخترش را از روی پرهیزگاری از پوشیدن طلا نهی کرد، چون ممکن است پوشیدن طلا به اسراف و ناز و نعمت بیانجامد که گاهی انسان را در انجام عبادت سست می گرداند و گرنه پوشیدن طلا برای زنان شرعاً جایز است، هم از دیدگاه ابوهیریه و هم از دیدگاه دیگر صحابه و تابعین و علمای امت جایز است مگر آن که برای تکبر و فخرفروشی باشد که در این صورت مانند کسی است که از روی تکبر لباس خود را پائین می کند^(۲).

روایت‌ها و حفظ او

ابوهیریه رضی الله عنه از همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر حدیث حفظ کرده بود او پنج هزار و سیصد و هفتاد و چهار حدیث حفظ داشته است، کثرت روایات و حفظ ابوهیریه رضی الله عنه به چند چیز برمی گردد:

۱- او بیش از چهار سال با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بود و این مدت برای حفظ این تعداد حدیث معمولاً کافی است و بلکه کسی که از همه کارها دست کشیده و فقط به فراگرفتن مشغول است بیشتر از این می تواند یاد بگیرد و حفظ کند.

او بسیاری از این روایت‌های از بعضی از صحابه رضی الله عنهم فرا گرفته به خصوص روایاتی که قبل از اسلام آوردن ابوهیریه گفته شده و او آن را نشنیده است، از این رو ابوهیریه احادیثی از ابوبکر و عمر و فضل بن عباس و ابی بن کعب

۱- سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۶۲۵ و البدایة والنهائة: ۸ / ۱۱۸.

۲- سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۶۲۹.

و اسامه بن زید و عائشه رضی الله عنهما و غیره روایت کرده است^(۱).

ابوهریره رضی الله عنه بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی را با این صحابه گذراند که وقت کمی نیست، و منبع همه روایت‌های ابوهریره پیامبر نبود، و همه روایت‌ها را ابوهریره در دوران همراهی پیامبر فرا نگرفته و بلکه بعد از وفات پیامبر بسیاری روایات را از صحابه فرا گرفته است.

۲- ابوهریره رضی الله عنه از همه چیز دست کشید و فقط به علم و حفظ مشغول بود.

۳- ابوهریره رضی الله عنه تا بعد از سال پنجاه هجری زنده بود که اکثر علمای صحابه قبل از او وفات یافتند و بعد از او جز تعداد اندکی باقی نماند، مانند عبدالله بن عمر، و عبدالله بن عباس و جابر بن عبدالله و ابی سعید خدری و انس بن مالک و عائشه رضی الله عنهما و دیگران که بعد از او زنده بودند. آن زمانی که نیاز مردم به علم صحابه شدت یافته بود با توجه به گسترده‌گی گستره‌ی دولت اسلامی و زیاد شدن کسانی که وارد دین اسلام شده و زیاد شدن کسانی که دنبال علم بودند، همانند فرزندان صحابه و دیگران، زیرا علم و دانش صحابه تنها مرجع مورد اعتماد بود که آن‌ها را به پیامبر صلی الله علیه و آله وصل می‌کرد، مخصوصاً آن عده از صحابه که به حفظ قوی و همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله مشهور بودند، کسی همانند ابوهریره.

شهادت اهل علم به حفظ ابوهریره رضی الله عنه

به خاطر این امور و به برکت دعای پیامبر صلی الله علیه و آله ابوهریره از حافظ‌ترین صحابه بود و از همه بیشتر حدیث حفظ داشت.

ترمذی از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کند که او به ابوهریره گفت: ای ابوهریره تو از همه ما بیشتر همراه پیامبر بوده و بیشتر حدیث ایشان صلی الله علیه و آله را حفظ کرده‌ای^(۱).

و همچنین از طلحه بن عبیدالله رضی الله عنه روایت کرده که او گفت: تردیدی ندارم که او از رسول خدا چیزهایی شنیده که ما نشنیده‌ایم...^(۲).

و حاکم روایت کرده که مردی نزد زید بن ثابت آمد و او را در مورد چیزی پرسید، او گفت: نزد ابوهریره برو، روزی به اتفاق ابوهریره و فلانی در مسجد نشسته بودیم و به ذکر و دعا مشغول بودیم، پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی ما آمد و در میان ما نشست ما سکوت کردیم، فرمود: بازگردید به آنچه در آن بودید. زید می‌گوید: من و همراهم قبل از ابوهریره دعا کردیم، و سپس ابوهریره دعا کرد و گفت: خدایا آنچه دو دوستم از تو خواستند آن را می‌خواهم و از تو دانشی می‌خواهم که فراموش نشود، آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (آمین) ما گفتیم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ما هم از خداوند علم و دانشی می‌خواهیم که فراموش نشود. فرمود: دوسی در این زمینه از شما پیشی گرفت^(۳).

و اعمش از ابی صالح روایت می‌کند که گفت: ابوهریره از حافظترین صحابه بود^(۴).

و شافعی می‌گوید: ابوهریره در زمان خود حافظترین راوی حدیث است^(۵).

۱- ترمذی: ۳۴۸ / ۵، و مستدرک حاکم: ۳ / ۵۱۱.

۲- ترمذی: ۳۴۸ - ۳۴۹.

۳- مستدرک حاکم: ۳ / ۵۰۸.

۴- الإصابة: ۴ / ۲۰۵.

۵- تذكرة الحفاظ: ۱ / ۳۶ و الإصابة: ۴ / ۲۰۵.

و ابن عبدالبر می‌گوید: ابوهریره حافظ‌ترین فرد در میان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و در مواقعی حضور داشت که مهاجرین به خاطر مشغول بودن با تجارت و انصار به خاطر مشغول بودن با باغ‌هایشان در آنجا نبودند، و پیامبر هم گواهی داد که ابوهریره به یادگیری علم و حدیث بسیار علاقه‌مند است و برای آن می‌کوشد^(۱).

و از محمد بن عمار بن عمرو بن حزم روایت است که او در مجلسی آمد که ابوهریره در آن حضور داشت و در آن بیش از ده نفر از بزرگان صحابه رضی الله عنهم حضور داشتند، آنگاه ابوهریره شروع کرد به نقل حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله برای آن‌ها، بعضی‌ها حدیث را نمی‌دانستند و سپس به آن باز می‌گشتند، و آنگاه بعضی دیگر حدیث را به خاطر می‌آوردند، و سپس ابوهریره حدیثی دیگر می‌گفت و بعضی آن را نمی‌دانستند و سپس متوجه آن می‌شدند و ابوهریره چند بار به همین صورت حدیث روایت کرد. می‌گوید: در آن روز دانستم که او از همه مردم احادیث پیامبر را بهتر و بیشتر حفظ کرده است^(۲).

و بخاری می‌گوید: از او حدود هشتصد تن از اهل علم روایت کرده‌اند و او از همه کسانی که دوران او حدیث روایت کرده‌اند حافظ‌تر بود.

و ابونعیم می‌گوید: ابوهریره رضی الله عنه از همه صحابه احادیث پیامبر را بیشتر حفظ بود، و پیامبر برای ابوهریره دعا کرد که مؤمنان او را دوست بدارند^(۳).

و حاکم می‌گوید: می‌خواستم با بیان فضائل ابوهریره آغاز کنم چون او احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را حفظ کرده است و صحابه و تابعین در این مورد برای او شهادت و گواهی داده‌اند، و همه کسانی که از صدر اسلام تا عصر ما به

۱- الإستیعاب حاشیه الإصابة: ۴ / ۲۰۸-۲۰۹.

۲- بخاری، التاريخ: ۱ / ۱۸۶.

۳- الإصابة ۴ / ۲۰۶.

دنبال حفظ حدیث رفته‌اند از پیروان و گروه ابوهریره هستند و او اولین حافظ حدیث و حق دارترین آنهاست^(۱).

و گواهی صحابه رضی الله عنهم و علمای برجسته امت بر کثرت روایت ابوهریره رضی الله عنه و حفظ او احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را کافی است.

عدالت و راستگویی او

عدالت و صداقت ابوهریره رضی الله عنه با تأییدی که خداوند در مورد اصحاب پیامبرش فرموده و با تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله به یاران خود، ثابت شده است. همچنین با آیات و احادیث فراوانی - که قبلاً در این کتاب ذکر شده - در این مورد آمده است. زیرا آنان ایمانی صادق داشتند و به خوبی از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کردند، و نیز به دلیل خدمات و فداکاری‌هایی که تقدیم کردند برای پیروزی دین اسلام.

خطیب می‌گوید: اگر خدا و پیامبرش در مورد صحابه چیزی نمی‌گفتند، هجرت و جهاد و فداکردن جان و مال خود را برای یاری این دین، و گذشتن از پدران و فرزندان و قوت ایمان و یقین آنان برای قطعی بودن عدالت و پاکی آنان، و اینکه آنان از همه کسانی که پس از آنها می‌آیند و تزکیه می‌شوند؛ بهتر هستند، کافی بود^(۲).

و در سیره ابوهریره چیزی از قبیل ارتداد یا دروغ یا نفاق و یا دیگر چیزی که منافی پاکی و درستکاری باشد وجود ندارد. روایت صدها تن از تابعین و صحابه از ابوهریره تأکیدی است بر صداقت او. چنان‌که عدالت از

۱- مستدرک حاکم: ۵۱۲ / ۳.

۲- الکفایة خطیب: ۹۴.

دیدگاه علمای جرح و تعدیل برای راوی که صحابی نباشد با تائید دو نفر عادل ثابت می‌گردد و بعضی گفتند: تائید یک نفر کافی است^(۱).

پس چه می‌توانیم بگوییم راجع به کسی که بیش از بیست نفر از صحابه از او روایت کرده‌اند، و صدها تن از افراد ثقه تابعین از او حدیث نقل کرده و او را ثقه شمرده‌اند، چنان‌که قبلاً گفته شد که ابن عمر رضی الله عنهما به ابوهریره گفت: تو از همه ما بیشتر با پیامبر همراه بودی و از همه بهتر حدیث ایشان را حفظ کرده‌ای. و طلحه بن عبیدالله رضی الله عنه گفت: تردیدی ندارم که ابوهریره احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده که ما نشنیده‌ایم.

و از زید بن ثابت رضی الله عنه روایت است که او به کسی که او را سوالی کرد گفت: نزد ابوهریره برو.

بنابر همه آنچه گفته شد علما از محدثین و غیره از صحابه اجماع کرده که ابوهریره عادل و درستکار و راستگوست، و روایاتی را که نسبت آن به ابوهریره صحت داد پذیرفته‌اند، اما روایاتی که نسبت آن به ابوهریره رضی الله عنه صحت ندارد مردودند و مانند دیگر روایت‌های ضعیف و موضوع که به دیگر صحابه نسبت داده شده‌اند و به آل بیت نسبت داده شده‌اند، دلیل نیستند و پذیرفته نمی‌باشند.

بنابراین، ایجاد تردید در مورد ابوهریره رضی الله عنه و روایاتی که نسبت آن‌ها به وی صحیح است از سوی کسانی که بدگمانی به اصحاب پیامبر را به ارث برده‌اند، و اتهامات جاهلان به این صحابی بزرگوار را تکرار می‌کنند و شرافت صحبت وی با پیامبر را ناچیز و بی‌ارزش قلمداد می‌نمایند، قابل توجه نیست.

همچنان که عدالت و درستکاری ابوهریره رضی الله عنه با توجه به همه مقیاس‌ها و معیارهای تحقق یافته است، حافظه قوی او نیز مورد تأیید است چنان که شاگردانش و دیگر کسانی که حفظ و ضبط او را آزموده‌اند به این امر شهادت داده‌اند.

بخاری و مسلم و احمد از ابی حازم روایت کرده‌اند که گفت: پنج سال با ابوهریره نشست و برخاست داشتم از او شنیدم که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کرد که گفته است: «سامان دهی و مدیریت امور بنی اسرائیل به دست پیامبران بود، و هرگاه پیامبری وفات می‌یافت، پیامبری دیگر جانشین او می‌شد، اما بعد از من پیامبری نخواهد آمد...»^(۱).

یعنی هیچگاه در طی این مدت ابوهریره به این حدیث چیزی اضافه نکرد و همچنین از آن چیزی نکاست.

و حاکم از کاتب مروان بن حکم امیر مدینه روایت می‌کند که گفت: مروان ابوهریره رضی الله عنه را فرا خواند و مرا پشت پرده نشاند و شروع به پرسیدن ابوهریره کرد، و من می‌نوشتم، در آخر سال دوباره ابوهریره را فرا خواند و مرا پشت پرده نشاند و از ابوهریره را از همان احادیث پرسید، ابوهریره هیچ چیزی اضافه و کم و پس و پیش نکرد^(۲).

چنانکه به نظر می‌آید مروان می‌خواست حافظه ابوهریره را بیازماید و ابوهریره نمی‌دانست که آنچه او می‌گوید نوشته می‌شود. و از جمله اموری که به حفظ و ضبط او گواهی می‌دهد روایتی است که پیش‌تر از ابن

۱- مسند احمد: ۱۵ / ۱۰۹، بخاری: ۶ / ۳۵۰ با فتح الباری و مسلم: ۲ / ۸۷.

۲- مستدرک حاکم: ۳ / ۵۱۰. و گفته است که آن صحیح الاسناد است

عمر رضی الله عنه نقل شد که او گفت: «ای ابوهریره تو از همه ما بیشتر با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بودی و بیشتر حدیث او را حفظ کردی»^(۱).

و اعمش از ابوصالح روایت کرده که گفت: ابوهریره از حافظ‌ترین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود^(۲).

پس این روایات و دیگر روایت‌هایی که قبلاً در مورد حفظ ابوهریره رضی الله عنه ذکر شد، علما را بر آن داشته که به حفظ و ضبط ابوهریره اعتماد نمایند و به روایات او توجه داشته باشند. از این رو بین اسانید روایت‌هایی که از او می‌شود از لحاظ تفاوت در صحت مقایسه کرده‌اند، و در این مورد از آنان اقوال مختلفی نقل شده است:

مثلاً گفته‌اند صحیح‌ترین اسانید ابوهریره عبارت است: زهری از سعید بن مسیب از ابوهریره و گفته‌اند ابوالزناد از اعرج از ابوهریره، و گفته شده روایت حماد بن زید از ایوب از محمد بن سیرین از ابوهریره صحیح‌ترین روایت‌ها از ابوهریره به شمار می‌رود.

و برخی گفته‌اند: صحیح‌ترین اسانید یمنی‌ها: معمر از همام از ابوهریره است.

و از احمد بن صالح مصری روایت است: «دقیق‌ترین اسانید اهل مدینه عبارت است از اسماعیل بن ابی حکیم از عبیده بن سفیان از ابوهریره». و ابوبکر بردیجی می‌گوید: اهل نقل بر صحت احادیث زهری از سالم از پدرش از سعید بن مسیب از ابوهریره اجماع کرده‌اند^(۳).

۱- ترمذی: ۵ / ۳۴۸ و مستدرک حاکم: ۳ / ۵۱۱. با لفظ عالم‌ترین ما به حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله.

۲- مستدرک حاکم: ۳ / ۵۰۹.

۳- معرفت علوم الحدیث حاکم ۵۵، و تدریب الراوی سیوطی: ۱ / ۴۶ - ۴۸.

و هرچه گفته شده باشد، همه این اقوال و گفته‌ها بر اهمیت روایات ابوهریره رضی الله عنه و اهتمام ورزیدن محدثین به آن از لحاظ حفظ و تدوین است. چنانکه محدثین این روایت‌ها را در کتاب‌هایشان ذکر کرده‌اند، پس کتاب‌های ششگانه و دیگر کتاب‌های معروف و متداول بر روایات ابوهریره اعتماد کرده‌اند و شما هیچ فصلی را نمی‌بینید، مگر آن که در آن یک حدیث یا بیشتر از ابوهریره در آن روایت شده است.

روش ابوهریره رضی الله عنه در روایات

اگر در احادیثی که ابوهریره روایت کرده تأمل کنید خواهید دید که او را دو روش اساسی را در روایت‌های خود در پیش گرفته است:

مسلك اول: روایت مجرد احادیث نبوی

در این مسلك ابوهریره رضی الله عنه فقط به روایت حدیث آن‌چنان که از رسول الله شنیده بود یا روایت آنچه از رفتار یا حال ایشان دیده بود اکتفا می‌کند. چه این حدیث برای شاگردانش باشد یا کسانی که از او درباره حدیث می‌پرسند، یا می‌خواهند از صحت احادیثی مطمئن شوند.

مانند این حدیث: ابوسلمه بن عبدالرحمن از ابوهریره روایت می‌کند که گفت: پیامبر فرمود: کامل‌ترین مؤمنان از لحاظ ایمانی آنانی هستند که اخلاق‌شان از دیگران بهتر است، و بهترین شما بهترین شما با زن‌هایشان هستند^(۱).

و عکرمه مولای ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند و می‌گوید: نزد ابوهریره در خانه‌اش رفتم و او را از روزه روز عرفه پرسیدم؟ گفت: پیامبر از روزه‌گرفتن روز عرفه در سرزمین عرفات نهی کرده است^(۱).

در این دو حدیث ابوهریره رضی الله عنه مانند عادت محدثین صحابه و تابعین و غیره در بیان حدیث فقط به آنچه از پیامبر شنیده اکتفا کرده است، و در اغلب روایات همین مسلک را در پیش گرفته است.

مسلک دوم: روایت‌هایی که فقط روایت محض نیست

این نوع روایت‌هایی است که ابوهریره رضی الله عنه در ضمن روایت؛ آن را توضیح و شرح می‌دهد یا مفاهیمی را از روایت استنباط می‌نماید و یا احکامی را بیان می‌دارد که از روایت یا از روایت‌های دیگر با اجتهاد و فهم خاص خود دریافته است، و این توضیحات را به قصد تعلیم و راهنمایی ارائه می‌کند، چون تعلم و راهنمایی در حیات او شکل برجسته‌ای به خود گرفته بود.

به عنوان مثال:

احمد از محمد بن زیاد روایت می‌کند که گفت: ابوهریره رضی الله عنه را دیدم که از کنار قومی عبور کرد که از ظرفی وضوء می‌گرفتند. ابوهریره گفت: خوب وضوء بگیرید آیا نشنیده‌اید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر پشت پاها از آتش دوزخ^(۲).

و احمد و بخاری از سالم بن عبدالله روایت می‌کنند که گفت: بارها ابوهریره را در بازار می‌دیدم که ایستاده بود و می‌گفت: علم از میان می‌رود و فتنه‌ها ظهور پیدا می‌کنند و قتل زیاد می‌شود، گفته شد: ای رسول خدا

۱- مسند: ۵ / ۱۸۰ و ابوداود: ۲۴۴۰.

۲- مسند احمد: ۱۴ / ۲۲۲.

هرج (قتل) چیست؟ ایشان با دستش اشاره کرد و آن را کج نمود^(۱). یعنی دستش را به چپ و راست حرکت داد.

می بینیم که در این دو روایت ابوهریره رضی الله عنه قبل از بیان روایت توضیحی از سوی خود می دهد، چنان که در روایت اول به خوب وضوء گرفتن امر کرد از بیم آن که مبادا انسان به آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله از آن برحذر داشته است مبتلا گردد.

و در روایت دوم به بیان پاره‌ای از نشانه‌های قیامت مانند از بین رفتن علم و ظهور فتنه‌ها و کثرت قتل و کشتار اشاره کرد، و اینگونه از ادامه دادن پیشروی در گناه و دوری از طاعت خداوند برحذر داشت.

روایاتی که ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند و روایاتی که گفته‌ی خود اوست

بنابراین، سخنی که ابوهریره در آغاز احادیثی که از پیامبر روایت می کند یا در آخر آن بیان می دارد، گفته‌ی خود اوست و از حدیث پیامبر نیست، و این همان موردی است که هرگاه از آن پرسیده می شد که آیا این را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌ای می گفت: نه این از جیب من است، یا می گفت: این از جیب ابوهریره است. بعضی از کسانی که از حدیث آگاهی ندارند و نمی دانند که ابوهریره با این سخن به دو نوع روایت یعنی مرفوع و موقوف اشاره می کند، از روی جهالت می گویند: ابوهریره آنچه از خودش می گوید را به پیامبر نسبت می دهد، و این گفتار جاهلانه با بیماری و هواپرستی که در دل بیمار دلان است هماهنگ گردیده و آنان شروع به تکرار آن کرده‌اند تا شاید در اتهاماتی که به این صحابی بزرگوار می زنند آنان را کمک نماید.

اهتمام ورزیدن ابوهریره به دعوت و تبلیغ علم

ابوهریره رضی الله عنه از جمله علمای صحابه بود که امانت دعوت و رساندن دانشی که از پیامبر صلی الله علیه و آله فرا گرفته بودند را به دوش گرفتند، بلکه ابوهریره از همه آنان در این زمینه فعال تر بود، چون دانش زیادی از پیامبر صلی الله علیه و آله فرا گرفته بود و در زمان او مردم به دانش و تعلیم او نیاز داشتند و همچنین ابوهریره از عواقب پنهان کردن علم و دانش بر حذر بود، همانطور که از روایت شده: «سوگند به خدا اگر این آیه قرآنی نمی بود هرگز چیزی به شما نمی گفتم»، سپس این آیه را خواند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ ﴿۱۵۹﴾ [البقرة: ۱۵۹]^(۱).

«همانا کسانی که نشانه‌های روشن، و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم، بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم، کتمان می کنند، مورد نفرین الله و لعنت کنندگان قرار می گیرند».

و همچنین از او روایت شده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکسی در باره‌ای علمی پرسیده شد و آن را پنهان کرد، روز قیامت با لگامی از آتش دهانش بسته خواهد شد^(۲).

و حسن از او روایت کرده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا مردی هست که از آنچه خدا و پیامبرش امر کرده‌اند یک کلمه یا دو یا سه یا چهار یا پنج کلمه فرا بگیرد و آن را در گوشه‌ای از چادرش قرار دهد و به آن عمل کند و به دیگران بیاموزد» گفتم: من و چادرم را پهن کردم و پیامبر شروع به

۱- مسند احمد: ۱۴ / ۱۲۲-۱۲۳.

۲- مسند احمد: ۴ / ۵ / ابوداود: ۳ / ۳۲۱.

سخن گفتن نمود تا این که سخنش تمام شد، آنگاه پارچه‌ام را روی سینه‌ام جمع کردم...»^(۱).

از این رو ابوهریره رضی الله عنه برای دعوت به دین و رساندن علم و معرفتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله آموخته بود از همه راه‌های ممکن استفاده می‌کرد و در هر جا موعظه می‌گفت و حدیث بیان می‌کرد، در خانه در مسجد در بازار و دیگر جاه‌هایی که می‌توانست حدیث و موعظه بگوید می‌گفت. امام احمد از عکرمه روایت می‌کند که گفت: به خانه ابوهریره رضی الله عنه آمدم و او را از روزه گرفتن روزه عرفه پرسیدم...».

حاکم از عاصم بن محمد و او از پدرش روایت می‌کند که گفت: ابوهریره را دیدم که روز جمعه بیرون می‌آمد و دو سوی منبر را می‌گرفت و می‌گفت: ابوالقاسم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود...؛ و همچنان حدیث می‌گفت تا این که صدای باز شدن درب را برای آن امام برای ادای نماز را می‌شنید آنگاه می‌نشست^(۲).

و بخاری از محمد بن عماره بن عمرو بن حزم روایت می‌نماید: «که او در مجلسی نشست که ابوهریره رضی الله عنه در آن بود و در آن مجلس جمعی از بزرگان اصحاب نیز حضور داشتند، ابوهریره شروع کرد به بیان حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله...»^(۳).

و احمد و بخاری از سالم بن عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت کرده‌اند که گفت: بارها ابوهریره را بازار دیده‌ام که ایستاده بود و می‌گفت: «علم از بین می‌رود و فتنه‌ها پدید می‌آیند...».

۱- مسند احمد: ۸ / ۱۴۷ مقصود از حسن، حسن بصری است.

۲- مستدرک حاکم: ۳ / ۵۱۲.

۳- التاريخ بخاری: ۱ / ۱۸۶.

و از مکحول روایت است که گفت: «شبی مردم گرد هم آمدند و آنگاه ابوهریره در میان آن‌ها بلند شد و تا صبح از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث روایت کرد»^(۱).

ابوهریره تنها به موعظه‌گفتن و بیان حدیث برای مردان اکتفا نکرد و بلکه برای زنان نیز حدیث بیان می‌کرد و آنان را نیز موعظه می‌گفت و اموری را که نیاز داشتند برایشان توضیح می‌داد، احمد از عبید از ابی هریره رضی الله عنه روایت می‌کند که «ابوهریره زنی را دید، گفت: برای او خوشبویی استفاده کرده‌ای؟ گفت: بله. ابوهریره گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر زنی عطر و خوشبو استفاده کند و به مسجد بیاید خداوند نمازش را قبول نمی‌کند، مگر آن که غسل کند همان طور که از جنابت غسل می‌نماید» برو غسل بکن^(۲).
اوزاعی از اسماعیل بن عبیدالله از کریمه بنت حساس روایت می‌کند که گفت: در خانام درء از ابوهریره شنیدم که می‌گفت: «سه چیز کفر است: نوحه کردن، پاره کردن گریبان، و طعنه‌زدن در نسب»^(۳).

و اینگونه ابوهریره رضی الله عنه به زنی که عطر و خوشبویی استفاده کرده بود توضیح داد که بیرون رفتن زن در حالی که آرایش کرده باشد و خوشبویی استفاده نماید جایز نیست، حتی اگر برای ادای نماز به مسجد برود، و ابوهریره رضی الله عنه به آن زن امر کرد که به خانه‌اش برگردد و اگر می‌خواهد دوباره به مسجد بیاید غسل کند، شایسته است زنان مؤمن امروزی برای عمل نمودن به این رهنمود نبوی بکوشند تا بتوانند خود را از نگاه‌های انحرافی و افراد بیمار منحرف حفاظت نمایند.

۱- سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۵۹۹ و البداية والنهاية: ۸ / ۱۱۰.

۲- مسند احمد: ۱۵ / ۱۰۷ - ۱۰۸ و ابن ماجه: ۶۲ / ۱۳۲.

۳- سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۵۸۶.

همچنین ابوهریره زنانی را که در خانه‌ام درداء تابعی فاضل و همسر ابو درداء صحابی بزرگوار رضی الله عنه یافت از سه چیز برحذر داشت که این سه چیز از عادات جاهلیت‌اند که اسلام حرام کرده و آن را با کفر برابر دانسته است و هرکسی آن را به زبان بیاورد او را به دوزخ می‌رسانند، همانطور که کفر انسان را به دوزخ می‌برد، ابوهریره شیوهی موفق اصلاح را در پیش گرفته بود چون با هر کسی به تناسب او سخن می‌گفت به مردان آنچه مناسب آن‌ها بود می‌گفت و به زنان آنچه مناسب‌شان بود می‌آموخت. اینگونه ایشان راهرو همان برنامه دعوت و تربیت نخسین بودند که پیامبر پایه‌های آن را بنا کردند. و همچنین ابوهریره از روش‌های گوناگونی در دعوت استفاده می‌کرد، از جمله روش‌های او می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- روش تشویق

هیثمی از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که او از بازار مدینه عبور کرد آنگاه در بازار ایستاد و گفت: ای بازاریان! چقدر ضعیف و ناتوان هستید، گفتند: چرا ای ابوهریره؟ گفت: میراث پیامبر تقسیم می‌شود و شما اینجا هستید! آیا نمی‌روید و سهمیه خود را نمی‌گیرید. گفتند: کجاست؟ گفت: در مسجد، بازاری‌ها با سرعت به سوی مسجد حرکت کردند، ابوهریره ایستاد تا آن که بازگشتند، آنگاه به آن‌ها گفت: چه شد شما را؟ گفتند: ای ابوهریره! ما به مسجد رفتیم و وارد آن شدیم آنجا چیزی ندیدیم که تقسیم شود، ابوهریره به آن‌ها گفت: در مسجد هیچکس نبود؟ گفتند: بله گروهی را دیدیم که نماز می‌خواندند و گروهی قرآن می‌خواندند، و گروهی از حلال و حرام می‌گفتند، ابوهریره به آنان گفت: وای بر شما همین است میراث

محمد صلی الله علیه و آله (۱).

و با این روش دعوتی زیبا ابوهریره رضی الله عنه به آنان میراث حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله را معرفی کرد، چون پیامبر صلی الله علیه و آله برای آنان درهم و دینار و دیگر مالی را به ارث نگذاشته بود و بلکه برای آنان فقط قرآن و سنت را به جا گذاشته بود.

۲- روش ترساندن

همانطور که ابوهریره رضی الله عنه از روش ترغیب و تشویق در دعوت کار می‌گرفت همچنین از شیوه ترساندن بعضی از کسانی که از روی جهالت مرتکب گناه می‌شدند، استفاده می‌کرد.

از آن جمله موعظه‌اش برای زنان در خانه‌ام درء و برحذر داشتن زنان از نوحه و پاره کردن گریبان و طعنه‌زدن به نسب‌ها که آن را کفر شمرد، چون این کارها گناه بزرگ و عذاب دردناکی به دنبال دارند. و همچنین از او روایت شده که گفت: خوب و کامل وضوء بگیرید من از پیامبر شنیده‌ام که فرمود: «وای بر پشت پاها که در وضوء خشک بماند» (۲).

۳- شیوه صراحت‌گویی

قتاده از ابی عمر غدانی روایت می‌کند که گفت: نزد ابوهریره نشسته بودم مردی از بنی عامر بن صعصعه از آن جا عبور کرد به او گفتند: این از همه عامری ثروتمندتر است، ابوهریره گفت: او را نزد من بیاورید، آنگاه او را آوردند، ابوهریره گفت: به من خبر رسیده که مال و ثروت زیادی داری، عامری گفت: بله سوگند به خدا، صد شتر سرخ‌مو و صد شتر سفید رنگ و.... رنگ‌های شتر را برشمرد و انواع برده‌ها را نام برد و از اسب‌ها گفت،

۱- مجمع الزوائد هیشمی: ۱ / ۱۲۳ - ۱۲۴.

۲- مسند احمد: ۱۹ / ۱۲۵.

آنگاه ابوهیره گفت: از سم پای شتران و گوسفندان برحذر باش، و همین جمله را ابوهیره تکرار کرد تا آن که رنگ چهره مرد عامری تغییر یافت، و گفت: مقصود چیست ای ابوهیره؟ گفت: از رسول خدا شنیدم که می‌گفت: هرکسی شتر داشته باشد و حق آن را در حالت سختی و آسانی اداء نکند، روز قیامت به چاق‌ترین و فربه‌ترین صورت ممکن می‌آیند و در میدانی صاف و هموار او را لگدکوب می‌کنند و روی او راه می‌روند این یکی که می‌رود دیگری می‌آید، در روزی که به اندازه پنجاه هزار سال است، تا این که بین مردم فیصله می‌شود و راه او مشخص می‌گردد...».

اگر تلاش‌های دعوت‌گرانه و تعلیمی ابوهیره رضی الله عنه را بررسی کنیم کتاب طولانی می‌شود، از این رو آنچه ارائه کردیم برای دلالت بر تلاش زیاد ابوهیره رضی الله عنه در این زمینه و کثرت استفاده‌کنندگان و حامل علم او، کفایت می‌کند.

ابوهیره در اختلافاتی که در زمان او روی داد بی‌طرف بود، از آن جمله اختلاف امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه و معاویه بن ابی‌سفیان رضی الله عنه که ابوهیره رضی الله عنه در آن بی‌طرفی اختیار کرد، و بسیاری از صحابه مانند سعد بن ابی وقاص و سعید بن زید بن نفیل و عبدالله بن عمر بن خطاب و محمد بن مسلم و سلمه بن اکوع رضی الله عنه و غیره موضوع بی‌طرفی را اختیار کردند. و ابوهیره رضی الله عنه نه با حرف و نه عملاً از کسی حمایت نکرد و همچنین نقل شده که علی یا معاویه از ابوهیره بخواهند که طرفدار یکی باشد، چون ابوهیره به قول معروف (اسب و مالی نداشت)، و همچنین طبیعت ابوهیره رضی الله عنه به گونه‌ای بود که در حد امکان سلامتی و امنیت را ترجیح می‌داد، و او از این موضع و حالت بیرون نرفت مگر در روزی که امیرالمؤمنین عثمان بن عفان رضی الله عنه از سوی گروه شورش که ایشان را ستم‌گرانه در سال ۳۵ هـ کشتند، محاصره

شد، در آن روز ابوهریره رضی الله عنه به همراهی شماری از صحابه مانند حسن بن علی و عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر رضی الله عنه و غیره برای دفاع از عثمان رضی الله عنه به خانه او آمد.

حاکم از موسی بن عقبه و برادرانش محمد و ابراهیم روایت می‌کند که گفتند: ابوحسنه می‌گوید: وقتی عثمان در خانه‌اش محاصره بود نزد ابوهریره رفتم و از او خواستم سخن بگویم، او گفت: از پیامبر شنیدم که می‌گفت: «آن فتنه و اختلافی است، گفتیم: ای رسول خدا! ما را به چه فرمان می‌دهی؟ گفت: با امیر و یارانش باشید و اشاره به عثمان کرد»^(۱).

تردید نیست که اتخاذ چنین موضعی جرات و شهامت ابوهریره رضی الله عنه را در اظهار حق در زمانی آشفته که سرانجام گفتن حق معلوم نیست، به نمایش می‌گذارد، ابوهریره در خانه عثمان رضی الله عنه باقی ماند تا آن که او و همراهانش شکست خوردند و عثمان به شهادت رسید. اموی‌ها بعداً از این عمل او تقدیر می‌کردند، و شاید به خاطر همین است که بعضی از هواپرستان به او رضی الله عنه تهمت می‌زنند.

ابوهریره و اهل بیت رضی الله عنهم

ابوهریره رضی الله عنه اهل بیت را دوست و گرمی می‌داشت و جایگاه آنان را می‌دانست و توصیه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را در خصوص اهل بیت به خاطر سپرده بود، و بسیاری از فضائل آنان را ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که برخی ذیلاً ذکر می‌شود:

آنچه ابوهریره رضی الله عنه در فضائل علی رضی الله عنه روایت کرده است

۱- سهل بن ابی صالح از پدرش از ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله روز خیبر فرمود: «این پرچم را به دست کسی خواهم داد که خدا و رسول خدا را دوست می دارد، و خداوند به دست او پیروزی می آورد»، آنگاه پیامبر علی را فرا خواند و پرچم را به او داد و گفت: «برو و روی برنگردان تا خداوند تو را پیروز کند» می گوید: سپس علی مقداری رفت و سپس ایستاد و روی برنگرداند و فریاد زد: ای رسول خدا! بر چه با مردم بجنگم؟ گفت: «بجنگ تا وقتی شهادت دهند که «لا إله إلا الله و محمد رسول الله» وقتی این شهادت را دادند جان و مال آن ها مصون است مگر به حق آن و حساب شان با خداست»^(۱).

۲- محرر بن ابی هریره از ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که گفت: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب را به سوی اهل مکه برای اعلام برائت فرستاد، با او همراه بودم، گفتم: شما چه ندا می دادید؟ گفت: ما فریاد می زدیم که جز مؤمن کسی به بهشت نمی رود، و هیچ کس عریان کعبه را طواف نکنند، و هرکسی با پیامبر عهد و پیمان دارد زمان آن تا چهار ماه است و بعد از چهار ماه خداوند و پیامبرش از مشرکین بیزارند، و بعد از این سال هیچ مشرکی حق ندارد به حج کعبه بیاید، گفت: فریاد می زدم تا آن که صدایم گرفت»^(۲). این روایت می گوید که ابوهریره در انجام این وظیفه مهم که پیامبر به آنان واگذار کرد با علی همراه بوده است.

۱- مسلم: ۱۲۱ / ۷ و صحیح ابن حبان: ۴۳ / ۸.

۲- مسند احمد: ۱۳۳ / ۱۵ - ۱۳۴.

۳- از ابی رافع روایت است که گفت: به ابوهریره گفتم: علی رضی الله عنه وقتی در عراق بود در نماز جمعه سوره «الجمعه» و سوره ﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنْفِقُونَ﴾ را می‌خواند، گفت: پیامبر نیز چنین می‌کرد^(۱).
در این روایت فضیلتی از فضائل علی رضی الله عنه که همان اطاعت از پیامبر و الگوبرداری از ایشان صلی الله علیه و آله است بیان شده است.

آنچه از ابوهریره در فضائل جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه روایت شده است

۱- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: «بهترین مردم برای بینوایان جعفر بن ابی طالب بود ما را می‌برد و هرچه خوراکی در خانه داشت به ما می‌داد گاهی ظرفی پوستی که در آن روغن نگهداری می‌شود را به ما می‌داد و ما آن را پاره می‌کردیم و می‌لیسیدیم»^(۲).
۲- و مقبری از ابوهریره روایت می‌کند که گفت: جعفر بن ابی طالب بینوایان و فقرا را دوست می‌داشت و با آنان می‌نشست و گفتگو می‌کرد، و پیامبر جعفر را أبا المساکین می‌نامید^(۳).

آنچه از او در فضائل حسن و حسین رضی الله عنهما روایت شده است

۱- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر حسن را به آغوش گرفت^(۴).

۱- صحیح ابن حبان: ۴ / ۱۰۴.

۲- بخاری: ۲ / ۲۰۸.

۳- ابن ماجه: ۵ / ۱۳۸.

۴- بخاری: ۲ / ۲۱۶.

و در روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید: پیامبر به حسن گفت: بار خدایا! من او را دوست دارم، او را دوست بدار و هرکسی که او را دوست می‌دارد دوستش بدار ^(۱).

۲- و از ابوهریره رضی الله عنه نقل شده که گفت: وقتی این سخن پیامبر را شنیدم دیگر حسن بن علی را از همه مردم بیشتر دوست می‌داشتم ^(۲).

۳- و از عمیر بن اسحاق روایت است که گفت: به همراه حسن بن علی در خیابان‌های مدینه راه می‌رفتم، ابوهریره را دیدیم، او به حسن گفت: شکمت را نمایان کن تا ببوسم جایی را که پیامبر آن را می‌بوسید، می‌گوید: حسن شکمش را نمایان کرد و ابوهریره بر ناف او بوسه زد ^(۳).

۴- و عبدالرحمن بن مسعود از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی ما آمد و حسن و حسین با ایشان همراه بودند یکی روی این شانه و آن یکی روی شانه دیگرش بود تا این که به ما رسید، مردی به پیامبر گفت: «ای رسول خدا، این دو را دوست داری، فرمود: هرکسی آن‌ها (حسن و حسین) را دوست بدارد مرا دوست داشته است، و هرکسی با آنان کینه داشته باشد با من کینه ورزیده است» ^(۴).

۱- مسلم: ۱۲۹/۷.

۲- صحیح ابن حبان: ۵۶/۸.

۳- مسند احمد: ۱۹۵/۱۴، و صحیح ابن حبان: ۵۷/۸.

۴- مستدرک حاکم: ۱۶۶/۳.

۵- و از او رضی الله عنه روایت است که گفت: هرگاه حسین بن علی را می بینم چشمانم پر از اشک می شود، چون روزی پیامبر از خانه بیرون آمد و مرا در مسجد دید، دستم را گرفت و بر من تکیه زد همراه او به راه افتادم، تا این که به بازار بنی قینقاع آمد، به من چیزی نگفت، گشتی زد و نگاه کرد و سپس بازگشت و همراه او بازگشتم، آنگاه در مسجد نشست و فرمود: «برایم پسر کوچک را صدا زنید» آنگاه حسین دوان دوان آمد و خود را در آغوش پیامبر انداخت و سپس دستش را در ریش پیامبر فرو برد، آنگاه پیامبر دهان حسین را باز می کرد و دهانش را در دهان او می کرد و می گفت: خدایا! او را دوست دارم دوستش بدار^(۱).

از آنچه ابوهریره رضی الله عنه در فضائل اهل بیت رضی الله عنهم روایت کرده به همین مقدار بسنده می کنیم این روایات بیانگر ارتباط و محبت ابوهریره با اهل بیت است.

همچنین از هیچ کسی از اهل بیت سخنی در مورد عیب جویی از ابوهریره نقل نشده است، و بلکه فقط ثابت است که از ابوهریره رضی الله عنه حدیث روایت کرده اند و بسیاری از شاگردان ثقه و راویان از آنها و از ابوهریره روایت می کردند و اهل بیت می دانستند و مخالفتی نمی نمودند که این نشانگر رضایت اهل بیت از ابوهریره رضی الله عنه است و این را می رساند که آنان روایات ابوهریره را قبول داشتند. برای اطلاع بیشتر به کتاب (دفاع از ابوهریره) اثر استاد عبدالمنعم صالح علی مراجعه کنید.

مبحث دوم:

شبهات باطلی که در مورد ابوهریره رضی الله عنه مطرح می‌شود و علل آن

مطلب اول: شبهات باطلی که در مورد ابوهریره رضی الله عنه مطرح می‌شود

همراهی ابوهریره رضی الله عنه با پیامبر صلی الله علیه و آله و خدمت او به آن حضرت و حمل سنت از ایشان رضی الله عنه و سیره‌ی نیکوی ابوهریره، و رفتار آرام و سرشت مسالمت‌جوی او، و ستایش برادران صحابه‌اش از او و تقدیر علمای امت از تابعین و غیره از او، همه این‌ها مانع از آن نگردیده که هواپرستان بر ابوهریره رضی الله عنه دروغ نبندد و در حق او زبان‌درازی نکنند، برخی از این شبهات پاره‌ای از روایت‌های ابوهریره را هدف قرار داده که علمای گذشته و معاصر بر آن، ردّ نگاشته‌اند و پوچ‌بودن و یاوه‌بودن آن را به اثبات رسانده‌اند، و بخشی از این شبهات شخصیت ابوهریره رضی الله عنه را به طور خاص و روایاتش را به طور عموم مورد حمله قرار داده که ما می‌کوشیم به این نوع شبهات پاسخ بدهیم.

شبهه اول: کثرت روایات ابوهریره رضی الله عنه

بعضی می‌گویند کثرت روایات ابوهریره رضی الله عنه با توجه به مدت کوتاهی که وی با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بوده در مورد صحت روایات او انسان را دچار تردید می‌کند، به این شبهه از چند جهت پاسخ می‌گوئیم:

۱- کثرت روایات نسبی است و مطلق نیست؛ چون او از همه صحابه از پیامبر بیشتر روایت کرده نه این که بیشتر از همه‌ی اصحاب پیامبر احادیث حفظ کرده است، چنان‌که خود او می‌گوید که از عبدالله بن عمرو بن

عاص رضی الله عنه بیشتر حدیث حفظ نکرده است، چون عبدالله می‌نوشت و ابوهریره نمی‌نوشت، چنان‌که امام ابوبکر بن خزیمه می‌گوید: او در میان صحابه از کسانی است که از دیگران بیشتر از پیامبر روایت کرده است^(۱).
 زیاد روایت نکردن کسانی از صحابه که مدت زمانی طولانی با پیامبر همراه بوده‌اند امری نسبی است، و یکی از علل آن این است که بعضی از این بزرگان زود وفات یافته‌اند، چنان‌که بعضی در دوران حیات پیامبر از جهان دیده فرو بسته‌اند، و بعضی اندکی بعد از رحلت پیامبر درگذشتند، و بعضی به خاطر آن کم روایت کرده‌اند که تا وقتی از آن‌ها سوالی نمی‌شد حدیثی روایت نمی‌کردند، و خلفای راشدین و ابی بن کعب و ابن مسعود و ابوسعید خدری و غیره رضی الله عنهم از همین دسته بودند.

۲- کوتاه بودن دوران همراهی ابوهریره با پیامبر کوتاهی نسبی است، یعنی مدت زمان صحبت و همراهی ابوهریره رضی الله عنه نسبت به مدت زمان همراهی کسانی که زمان طولانی با پیامبر صلی الله علیه و آله بوده‌اند مانند عشرة مبشره و دیگر سابقین اولین صحابه، کوتاه است، و گرنه در واقع آن طور که فکر می‌شود زمان کوتاهی نیست، چون بیش از چهار سال بوده است. و این مدت برای جمع و روایت تعداد حدیثی که او روایت کرده کافی است، به خصوص که او در این مدت کاملاً و همیشه در سفر و حضر همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود و هر جا که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفت او می‌رفت، و از همه چیز دست کشیده و فقط به علم و تحصیل مشغول بود، و تجارت و کشاورزی و مسئولیت خانوادگی و غیره‌ای نداشت که او را به خود مشغول کند، و بسیاری از صحابه چنین موقعیتی نداشتند که اینگونه به صورت مداوم همراه پیامبر باشند چون صحابه به امور ضروری زندگی خود مشغول بودند، از براء بن عازب رضی الله عنه روایت است که گفت:

اینطور نبود که همه ما حدیث پیامبر را بشنویم ما زمین و کار داشتیم، اما مردم آن وقت مثل امروز دروغ نمی گفتند و کسی که حضور داشت برای کسی که آنجا نبود حدیث را بیان می کرد^(۱).

و روایت شده که مردی نزد طلحه بن عبیدالله رضی الله عنه آمد و گفت: ای ابا محمد! سوگند به خدا که نمی دانیم این یمنی از سخنان و احوال پیامبر صلی الله علیه و آله آگاه تر است یا شما؟ به دروغ سخنانی را به پیامبر نسبت می دهد که نگفته است (منظورش ابوهیره بود) طلحه گفت: سوگند به خدا در این شکی نیست که او چیزهایی از پیامبر شنیده که ما نشنیده ایم و چیزهایی می داند که نمی دانیم، ما قومی ثروتمند بودیم و دارای خانه و خانواده بودیم و ما فقط صبح و شام نزد پیامبر می آمدیم و برمی گشتیم اما ابوهیره رضی الله عنه فقیر بود و چیزی نداشت، و زن و فرزند نداشت، بنابراین دستش در دست پیامبر بود و هر جا که پیامبر می رفت او همراهش بود، از این رو تردیدی نداریم که او چیزهای یاد گرفته که ما یاد نگرفته ایم و چیزهایی شنیده که ما نشنیده ایم، و هیچکسی از ما او را متهم نکرده که به پیامبر صلی الله علیه و آله دروغ نسبت می دهد^(۲).

همچنین بزرگان صحابه رضی الله عنهم به امور دعوت و انجام کارهای مهمی که پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را برای انجام آن موظف می کرد مانند رفتن به جنگ و تبلیغ علم و رساندن نامه ها به پادشاهان و امرای مجاور جزیر عربی، مشغول بودند، و این کارها نیاز به سفر چند روز و چند ماه داشت که آنان دیگر در دوران مأموریت در مجلس پیامبر حضور نداشتند.

۱- الکفایة خطیب: ۵۴۸ و مفتاح الجنة سیوطی: ۲۲.

۲- مستدرک حاکم: ۳ / ۵۱۱ - ۵۱۲.

و اضافه بر این بعضی از صحابه در مدینه سکونت نداشتند که هر وقت که می‌خواهند به دیدار پیامبر بروند، یا در وقتی که شرایط اجازه دیدار می‌دهد ایشان را زیارت کنند.

به علت این اسباب و غیره همراهی مداوم برای بسیاری از کسانی که مدت صحبت آن‌ها با پیامبر مدتی طولانی بوده به صورتی که برای ابوهریره رضی الله عنه میسر بوده برای آنان میسر نشده است، چنان‌که ابن عمر رضی الله عنهما به ابوهریره گفت: ای اباهریره تو از همه ما بیشتر با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بودی و بیشتر حدیث او را حفظ نموده‌ای.

۳- علاقه‌مندی ابوهریره به علم و تحصیل و دعای پیامبر برای او به حفظ ابوهریره رضی الله عنه به علم اهتمام می‌ورزید و به یادگرفتن علاقه فراوان داشت؛ و پیامبر صلی الله علیه و آله به این خصوصیت ابوهریره رضی الله عنه گواهی داده است، چنان‌که بخاری از سعید مقبری از ابوهریره روایت می‌کند که گفت: گفتم: ای پیامبر خدا، چه کسی بیشتر از شفاعت شما بهره‌مند می‌شود؟ فرمود: «گمان نمی‌کردم کسی قبل از تو این سخن را از من بپرسد، چون علاقه‌مندی تو را به فراگیری حدیث می‌بینم»^(۱).

و همین شهادت بر علاقه‌مندی ابوهریره رضی الله عنه به علم و تحصیل کافی است، و بنابراین می‌بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله ابوهریره را به فراگیری علم تشویق می‌کرد، همانطور که دیگر کسانی از صحابه را که احساس می‌کرد استعداد و علاقه دارند، تشویق می‌نمود، از آن جمله انس بن مالک و ابن عباس رضی الله عنهما و غیره. و پیامبر صلی الله علیه و آله برای ابوهریره دعا کرد که حافظه‌اش قوی باشد و فراموش نکند، چنان‌که وقتی ابوهریره این دعا را کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله آمین گفت.

زید بن ثابت رضی الله عنه می‌گوید: من و ابوهریره و فلانی روزی در مسجد نشسته بودیم و به ذکر و دعا مشغول بودیم، ناگهان پیامبر آمد و در میان ما نشست، ما سکوت کردیم او گفت: برگردید به آنچه در آن بودید، زید می‌گوید: من و همراهم قبل از ابوهریره دعا کردیم و پیامبر بر دعای ما آمین می‌گفت، سپس ابوهریره دعا کرد و گفت: خدایا، از تو چیزی می‌خواهم که دو دوستم خواستند، و از تو علم و دانشی می‌خواهم که فراموش نشود، پیامبر گفت: آمین، ما گفتیم: ای رسول خدا، ما هم علمی می‌خواهیم که فراموش نشود، فرمود: دوسی از شما پیشی گرفت»^(۱).

و پیامبر صلی الله علیه و آله اینگونه علم و هدایت را به کسانی از صحابه که از دیگران آمادگی و استعداد بیشتری داشتند یاد می‌داد.

۴- ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرسید. چنان که گفته‌اند پرسش کلید دانش هستند، پس ابوهریره زیاد سوال می‌کرد و جرأت سوال داشت، و جایی که نیاز به سوال بود می‌پرسید تا بهتر بداند، و اولین مرجعی که ابوهریره سوالاتش را مطرح می‌کرد پیامبر بود، چنان که در مورد شفاعت پرسید و گفت: ای رسول خدا! چه کسی روز قیامت از شفاعت شما بهره‌مند می‌شود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فکر می‌کردم که هیچکسی قبل از تو این سوال را از من نپرسد چون علاقه‌مندی شما به یادگیری حدیث را می‌بینم. کسی که روز قیامت از شفاعت من بهره‌مند می‌شود کسی است که خالصانه از دلش بگوید: لا إله إلا الله»^(۲).

و از ابی بن کعب رضی الله عنه روایت است که گفت: ابوهریره جرات می‌کرد و پیامبر را از چیزهایی می‌پرسید که ما ایشان را از آن نمی‌پرسیدیم. و از

۱- مستدرک حاکم: ۵۰۸/۳.

۲- مسند احمد: ۳۵/۱۷ - ۳۶ و فتح الباری: ۱/۱۹۳.

حذیفه رضی الله عنه روایت است که گفت: مردی به ابن عمر گفت: ابوهریره زیاد حدیث از پیامبر روایت می‌کند، ابن عمر گفت: تو را به خدا پناه می‌دهم که در آنچه او ارائه می‌کند شک کنی، او جرأت کرد و ما ترسیدیم^(۱).

۵- روایت ابوهریره از بسیاری از صحابه رضی الله عنهم

ابوهریره رضی الله عنه از بسیاری از صحابه مانند ابوبکر و عمر و فضل بن عباس و ابی بن کعب و اسامه بن زید و عائشه و سهل بن سعد الساعدی و نضره بن ابی نضره رضی الله عنه و غیره روایت کرده است. به اضافه آنچه مستقیم از پیامبر روایت می‌کند، و گاهی از کسی روایت می‌کند که تعداد روایاتش از او کمتر است، چنان‌که از سهل سعد الساعدی رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هیچکس بر برادرش شمشیر نکشد، چون شاید شیطان دستش را به خطا ببرد و در نتیجه خود را مستحق دوزخ قرار دهد». ابوهریره می‌گوید: این حدیث را از سهل بن سعد ساعدی شنیدم که او از پیامبر روایت می‌کرد^(۲).

احادیثی که ابوهریره از صحابه روایت کرده بر تعداد روایت‌هایی که از پیامبر مستقیم روایت نموده افزوده است، و کسانی که اعتراض می‌کنند که ابوهریره زیاد حدیث روایت کرده یا این نکته را نمی‌دانند و یا خود را به نادانی می‌زنند.

۶- طولانی‌شدن دوران حیات ابوهریره رضی الله عنه و نیاز مردم به علم او و کثرت

روایت از او

ابوهریره از اندک اصحابی بود که عمرشان تا بعد از سال پنجاه هجری به طول انجامید، و مردم به علم و دانش آنان نیاز پیدا کردند، و از آنجا که

۱- مستدرک حاکم: ۳/ ۵۱۲ - ۵۱۳.

۲- مستدرک حاکم: ۳/ ۵۱۲ - ۵۱۳.

ابوهریره رضی الله عنه بیشتر از دیگر حدیث حفظ کرده بود و آمادگی تعلیم آن را داشت سزاوار بود که طلاب علم و دوستداران معرفت و حامیان دین از صحابه و تابعین به او روی بیاورند، چنان که حدود بیست و هشت تن از بزرگان و جوانان صحابه مانند زید بن ثابت، ابی ایوب انصاری، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر و ابی بن کعب و جابر بن عبدالله و انس بن مالک و عائشه رضی الله عنها و غیره از او روایت کرده‌اند، و همچنین صدها تن از تابعین در خدمت او زانو تلمذ زده و از او حدیث روایت کرده‌اند.

و حاکم می‌گوید: تعداد بیست و هشت نفر از صحابه از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند و در تابعین بزرگ‌تر و مشهورتر و عالم‌تر از شاگردان ابوهریره کسی نیست که اگر در اینجا اسم آن‌ها ذکر شود بحث طولانی می‌شود^(۱).

و تا جایی که من می‌دانم کسی دیگر از صحابه این تعداد شاگرد که علم و روایت او را نقل کنند نداشته است، از این رو شمار چنان عدد زیادی بسیاری در ماندگاری و نقل و تداول روایات ابوهریره کمک کرده است.

۷- تعدد طرق روایات ابوهریره رضی الله عنه

از آنجا که احادیث از طرق مختلف از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده‌اند این امر باعث شده تا روایت‌های بیشتری به او نسبت داده شود، و هرکس روایات ابوهریره را در کتاب مسند امام احمد بن حنبل نگاه کند تعدادشان ۳۸۴۸ روایت است، اما یک سوّم این رقم تکراری است مثلاً در جایی راوی اضافه شده یا عبارت در بیان سند فرق کرده یا کلمه به متن اضافه شده و این باعث شده تا روایت تکرار شود و یک روایت چند روایت به شمار آید، و شماره‌گذاران نیز چنین کرده‌اند، اما آن‌ها به خاطر اسباب فنی معذورند.

۸- مشارکت بسیاری از صحابه در آنچه او روایت کرده است

هرکسی کتاب‌های معتمد حدیث را که بین مسلمین متداول است نگاه کند و در آن روایات ابوهریره را مورد بررسی قرار دهد، خواهد دید که یک صحابی یا بیشتر در روایت با او مشارکت داشته‌اند، به خصوص روایاتی که محل اعتراض هوایرستان و اهل بدعت و کسانی است که نمی‌دانند بر چه اساسی احادیث صحیح و بر چه اساس نادرست به شمار می‌آیند.

۹- کثرت تعداد راویان از او

روایت کردن تعداد زیادی از صحابه و ثقات تابعین از او که تعدادشان به هشتصد راوی می‌رسد و اعتماد علما و فقها و مجتهدین بعد از آن‌ها به این روایت‌ها در کنار روایت‌های دیگر صحابه، بهترین گواه و دلیل برای عدالت و صداقت و امانتداری ابوهریره در نقل روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله است. و با توجه به آنچه گذشت برای آنانی که عقل‌شان روشن و دلشان پاک است روشن می‌شود که کثرت نسبی برای روایات مسند صحیح او کثرتی طبیعی است که عواملی که برشمردیم و دیگر عواملی با توجه به زندگی و شخصیت ابوهریره رضی الله عنه و همراهی‌اش با پیامبر صلی الله علیه و آله سبب این کثرت طبیعی گردیده است.

و به وضوح روشن شد که این اعتراض که ابوهریره زیاد حدیث روایت کرده اعتراض پوچی است، و خاستگاه آن اگر جهالت محض نباشد، هوایرستی، یا جهالت و هوایرستی هردو منشأ چنین اعتراضاتی است.

شبهه دوم: اعتراض به روایات او از سوی بعضی از صحابه

بعضی که از طبیعت دیدگاه‌های متفاوت صحابه رضی الله عنهم آگاهی ندارند، می‌گویند: احادیثی که از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده ضعیف است، و یا احادیثی که در آن بعضی از صحابه حدیث را به گونه‌ای دیگر توجیه یا روایت کرده‌اند

و ابوهریره به گونه‌ای دیگر، آن احادیث ضعیف‌اند، چنان‌که ابن عمر و عائشه رضی الله عنهما در مواردی رضی الله عنهما با ابوهریره مخالفت کرده‌اند.

۱- مخالفت ابن عمر و عائشه امری است طبیعی که طبیعت گفتگوی علمی آن را اقتضا می‌نماید، و صحابه رضی الله عنهم وقتی مذاکره می‌کردند بعضی در روایت یا مسئله علمی بعضی دیگر را تخطئه می‌نمود و او را به آنچه می‌گفت قانع می‌کرد یا به آنچه مخالفش می‌گفت قانع می‌شد، و این در بین علما چیز معروفی است به خصوص در میان محدثین، و این در صداقت و عدالت کسی که با او مخالفت شده تأثیری ندارد، همانطور که مخالفت ثقه با ثقه در صداقت و عدالت آن‌ها در آنچه روایت می‌کنند تأثیری ندارد.

تخطئه و مخالفت عائشه و ابن عمر با ابوهریره رضی الله عنهما در همین چارچوب بود.

۲- اینکه می‌گویند عائشه ابوهریره را تخطئه کرده به خاطر آن است که عائشه ابوهریره را فرا خواند و گفت: این احادیثی که به ما خبر می‌رسد که تو از پیامبر روایت می‌کنی چه هستند، آیا تو چیزی غیر از آنچه ما شنیده‌ام شنیده‌ای، و چیزی غیر از آنچه ما دیده‌ایم دیده‌ای؟ ابوهریره گفت: مادرم تو را آئینه و سرمه و خود را آماد کردن برای پیامبر صلی الله علیه و آله به خود مشغول می‌کرد و مرا هیچ چیزی از پیامبر به خود مشغول نمی‌کرد^(۱).

می‌بینیم که ابوهریره رضی الله عنه به پرسش‌های عائشه رضی الله عنها پاسخ می‌گوید و ظاهراً هم عائشه رضی الله عنها قانع می‌شود، چون دیگر جواب و اظهار نظری در مورد پاسخ ابوهریره نکرد، زیرا ابوهریره با چنان صراحت و منطقی حرف زد

که انسان‌های بزرگوار و آنان که هدف بد ندارند قانع می‌شوند و با این روشن می‌گردد که مخالفت عائشه فقط پرسش‌هایی بود که می‌خواست ابوهریره جواب دهد وقتی ابوهریره جواب داد عائشه دانست که ابوهریره احادیثی حفظ کرده که او حفظ نکرده و چیزهایی شنیده که او نشنیده است، چون همواره کاملاً با پیامبر همراه بوده است، و عائشه با چیزهایی که معمولاً زنان متأهل به آن مشغول می‌شوند مشغول بوده است.

از جمله اموری که تاکید می‌نماید که ابوهریره رضی الله عنه به هیچ چیزی غیر از گوش‌دادن به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول نبوده است، روایت طلحه بن عبیدالله رضی الله عنه است که مردی نزد او آمد و گفت: ای ابا محمد سوگند به خدا نمی‌دانیم این جوان یمنی به رسول الله آگاه‌تر است یا شما؟ طلحه گفت: سوگند به خدا در این شکی نیست که او چیزهایی از پیامبر شنیده که ما نشنیده‌ایم و چیزهایی دانسته که ما ندانسته‌ایم، ما قومی ثروتمند بودیم خانه و خانواده داشتیم، در دوسوی روز نزد پیامبر می‌آمدیم، ابوهریره فقیر بود و زن و فرزند نداشت و دستش در دست پیامبر بود و هر جا که ایشان صلی الله علیه و آله می‌رفت ابوهریره همراه او می‌رفت، و ما شک نداریم که او چیزهایی یاد گرفته ما که یاد نگرفته‌ایم و چیزهایی شنیده که ما نشنیده‌ایم و هیچکسی از ما او را متهم نکرده که چیزهایی به دروغ به پیامبر نسبت داده که ایشان نگفته است^(۱).

۳- و اما اعتراض ابن عمر رضی الله عنهما در مورد حدیث (رفتن به دنبال جنازه) به ابوهریره رضی الله عنه، اینکه روزی ابن عمر از کنار ابوهریره می‌گذشت در حالی که ابوهریره این حدیث را از پیامبر روایت می‌کرد که «هرکسی تشییع جنازه‌ای شرکت کند یک قیراط اجر به او می‌رسد و اگر در

دفن آن حاضر باشد دو قیراط اجر به او می‌رسد هر قیراطی از کوه احد بزرگ‌تر است».

ابن عمر گفت: «ای ابوهریره! در آنچه از پیامبر روایت می‌کنی بنگر»، ابوهریره به سوی او رفت، و با هم نزد عائشه رفتند، و ابوهریره گفت: «ای ام المؤمنین تو را به خدا آیا از پیامبر شنیدی که می‌گفت: هرکسی جنازه‌ای را تشییع کند یک قیراط پاداش اوست و اگر در دفن آن حاضر باشد دو قیراط مزد به او می‌رسد؟». عائشه گفت: بله.

آنگاه ابوهریره رضی الله عنه گفت: ما را کاشتن و تجارت از پیامبر صلی الله علیه و آله به خود مشغول نمی‌کرد من به دنبال کلمه‌ای بودم که از پیامبر یاد بگیرم، یا لقمه نانی از جانب او به من برسد و آن را بخورم، ابن عمر رضی الله عنهما گفت: ای ابوهریره! تو از همه ما بیشتر با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بودی و به حدیث ایشان از ما آگاه‌تر هستی^(۱).

۴- تنها ابوهریره رضی الله عنه نیست که به روایت او از سوی بعضی از صحابه اعتراض شده باشد، حضرت عایشه رضی الله عنها به روایت ابن عمر و دیگر صحابه رضی الله عنهم اعتراض می‌کرد، چنان‌که بعضی از صحابه روایت عائشه رضی الله عنها اعتراض می‌کردند، و این چیزی است معروف و طبیعی بین علما. پس توجه به آنچه گذشت اعتراض صحابی و مخالفت او با روایت صحابی دیگر به معنی تکذیب صحابی و مخدوش شدن عدالت و کاسته شدن از امانتداری او نیست.

شبهه سوم: اهتمام ابوهریره رضی الله عنه به سیر شدن شکمش

بعضی ابوهریره رضی الله عنه را متهم کرده‌اند که او به شکمش اهتمام می‌ورزید و برای آن که شکم خود را سیر کند با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بود و می‌گویند: خود ابوهریره گفته است: «برای آن که شکم خود را سیر کنم با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بودم».

این اتهام از چند جهت باطل است:

کسی که این شبهه را مطرح می‌کند مقصود ابوهریره رضی الله عنه از سخنش نفهمیده است و نفهمیده که چرا ابوهریره چنین سخنی را گفته است، مقصود ابوهریره از این سخن آن است که او کاملاً از همه چیز دست کشیده و همواره با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بوده و هیچ چیزی او را از همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله باز نمی‌داشته حتی لقمه نان که دیگران را به خود مشغول می‌کرد او این لقمه نان را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌یافته است، و ابوهریره رضی الله عنه این حرف را بیهوده یا از روی سادگی چنان که بعضی‌ها گمان برده‌اند نگفته است، و بلکه می‌خواسته سخن کسانی را رد کند که می‌گفتند ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله زیاد حدیث روایت می‌کند، چنان که می‌گوید: (شما می‌گوئید: ابوهریره از پیامبر زیاد حدیث روایت کرده، خداوند می‌عادگاه همه است، من فردی فقیر بودم که همواره با پیامبر همراه بودم و شکم خود را نزد او سیر می‌کردم، اما مهاجران به داد و ستد در بازارها مشغول بودند و انصار با اموال خود مشغول بودند...) ^(۱).

چنان که در پاسخ به اعتراض ابن عمر رضی الله عنهما گفت: (ما را کاشتن نهال و داد و ستد در بازارها از پیامبر بازداشت من از پیامبر صلی الله علیه و آله کلمه‌ای یاد می‌گرفتم و یا لقمه‌ای می‌گرفتم و شکم خود را سیر می‌نمودم).

اگر هدف ابوهریره رضی الله عنه سیرکردن شکم بود، نزد امیر و حاکمی از حکام یمن می‌رفت و نزد رئیس قبیله‌ای می‌رفت و پیش او کار می‌کرد، و خانه و کاشانه و سرزمین خود را رها نمی‌کرد و نزد کسی نمی‌آمد که پادشاه نبود و ثروت نداشت، و هنوز از دشمنانش مشرکین مکه و منافقین مدینه و اطراف آن، و یهود مجاور رهایی نیافته بود و این دشمنان در کمین او بودند، و احتمالات پیروزی و شکست همه از لحاظ سنجش انسانی می‌رفت و این احتمال از ذهن جوان هوشیار یمنی وقتی به سوی مدینه در حرکت بود و به سوی نوری که از مدینه نور افشانی می‌کرد دور نبود، اما او به دعوت ایمان لبیک گفت و بعد از دومین یا سومین روز رسیدن به مدینه در جنگ خیبر با پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت داشت ^(۱).

و در صحنه‌ها و جنگ‌های بعد از آن نیز حضور داشت و تا دم وفات با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بود و احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حفظ کرد که دیگر کسانی که افتخار صحبت و همراهی پیامبر را دارا بودند حفظ نکردند.

گر هدفش سیرکردن شکمش بود پیامبر صلی الله علیه و آله را رها می‌کرد و به دنبال کسی از ثروتمندان صحابه و یا کسی دیگر از اهل مدینه می‌رفت و کار می‌کرد، چون در اغلب روزهای همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله شکم ابوهریره رضی الله عنه سیر نمی‌شد، زیرا در بعضی روزها بیشتر از یک دانه یا دو دانه خرما یا لیوانی شیر به او نمی‌رسید، چنان‌که در صفحات گذشته از او روایت کردیم که پیامبر صلی الله علیه و آله یک لیوان شیر را به او و به تمام اصحاب صفا داد و این روایت در ضمن آن که بر امور مهمی مانند زیادشدن شیر به برکت پیامبر صلی الله علیه و آله و توجه ایشان به فقرا او مقدم کردن آنان بر خود و شادشدن ایشان از سیرشدن فقرا، دلالت می‌کند، در ضمن گرسنگی و نیازمندی سختی که آنان در آن به سر

می‌بردند را بیان می‌دارد. و یکی از این نیازمندان و گرسنه‌ها ابوهریره رضی الله عنه بود، و خود پیامبر صلی الله علیه و آله سه روز پی در پی سیر نمی‌شد، از عائشه رضی الله عنها روایت است که گفت: خانواده محمد صلی الله علیه و آله از وقتی که از مدینه آمدند تا وقتی که ایشان وفات یافت سه روز پی در پی سیر نشدند، و از عائشه رضی الله عنها روایت است که گفت: یک ماه بر ما می‌گذشت و در خانه ما آتش برای پخت و پز روشن نمی‌شد، و خوراک ما فقط آب و خرما بود^(۱).

و از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت است که گفت: من هفتمین نفر با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که غذای ما جز برگ درخت چیزی نبود، تا آن بر اثر خوردن برگ درختان لب‌ها و دهان ما زخمی شد^(۲).

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و خانواده‌اش در چنین وضعیتی قرار داشتند، ابوهریره رضی الله عنه و امثالش چگونه بودند؟ و آیا این چنین شخصی را می‌توان متهم کرد که به دنبال سیرشدن شکمش بوده است؟

۵- اگر به سیرشدن شکمش اهتمام می‌ورزید یا هدفش رسیدن به دیگر کالایی دنیوی بود، مانند دیگران تعداد از گوسفندان که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن‌ها می‌داد برمی‌داشت، سعد بن ابی‌هند از ابوهریره روایت می‌کند که رسول خدا فرمود: آیا از این غنیمت‌ها که دوستانت از من می‌خواهند از من نمی‌خواهی؟ گفتم: من از تو می‌خواهم که به من علمی که خدا به شما آموخته پیاموزی؟ آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله چادری را که بر پشتم بود کشید و بین من و خودش پهن کرد، گویا مورچه‌ها را می‌بینم که روی آن می‌خزیدند، آنگاه پیامبر برایم حدیث بیان

۱- بخاری: ۱۸۱ / ۷.

۲- ابونعیم: ۹۳ / ۱.

کرد تا آن که حدیث او را کاملاً فرا گرفتم، گفتم: چادر را جمع کن» از آن وقت هیچ کلمه از آنچه از او شنیده‌ام را فراموش نمی‌کنم^(۱). پس آیا هدف ابوهریره رضی الله عنه سیرکردن شکم بود یا مقصودش علم و تحصیل؟ خداوند هواپرستی را ناپود کند که چگونه چشم و بصیرت هواپرست را از دیدن حقایق کور می‌نماید.

۶- شایسته بود فقر و گرسنگی ابوهریره رضی الله عنه که خود از آن سخن گفته است تقدیر می‌شد، نه این که یک تفسیر مادی بی‌ارزشی از آن ارائه شود، چون واقع‌گرایی ابوهریره رضی الله عنه و انکارنکردن گذشته او را به تواضع و فروتنی و احساس نعمت‌های خداوند و سپاس‌گذاشتن خداوند بر نعمت‌هایش، و داشته بود. و او همواره می‌گفت: «ستایش خداوندی را که دین را مایه زندگی و ابوهریره را پیشوا قرار داد بعد از آن که کارگر و مزدور بود...»^(۲).

و می‌گفت: «ستایش خداوندی را سزااست که به ابوهریره قرآن آموخت، ستایش خداوندی راست که با محمد بر ابوهریره منت گذاشت...»^(۳). و اینگونه بطلان این شبهه روشن گردید و مشخص شد که ابوهریره رضی الله عنه برای سیرکردن شکم خود با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه نبوده است بلکه از آن جا که به ایشان ایمان داشت و ایشان را دوست داشت و به فراگیری علم و هدایت و نور از ایشان علاقه‌مند بود، همواره با ایشان صلی الله علیه و آله همراه بود.

۱- الحلیة ابو نعیم: ۱ / ۳۸۱ و سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۵۹۴.

۲- البدایة والنهایة: ۸ / ۱۱۳.

۳- الحلیة: ۱ / ۳۸۳.

شبهه چهارم: پنهان کردن بعضی از روایاتها

یکی از شبههاتی که بعضی از هواپرستان در مورد ابوهریره رضی الله عنه مطرح می‌کنند این است که می‌گویند: او بعضی از روایتهایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده پنهان کرد و این یعنی پنهان کرد وحی که خداوند پیامبرش را فرمان داد که آن را به مردم برساند، چنان‌که خود ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: (از پیامبر صلی الله علیه و آله دو ظرف حفظ کردم: یکی را بین مردم پخش و نشر کردم و اگر دیگری را پخش کنم این حلقوم من قطع خواهد شد)^(۱).

و در روایتی دیگر آمده که گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله احادیثی حفظ نموده‌ام که آن را برایتان بیان نکرده‌ام، و اگر یکی از آن احادیث را برای شما بگویم مرا سنگسار خواهید کرد^(۲).

پاسخ شبهه فوق به شرح ذیل است:

۱- مقصود ابوهریره رضی الله عنه از دو ظرف، دو بخش یا دو مجموعه از احادیث است، یکی که بیشترین آن است همان مجموعه ایست که او برای مردم روایت کرده و رساندن آن به مردم واجب است و پنهان کردنش جایز نیست. و مجموعه دوم که کمتر از مجموعه اول است و شاید از یکی دو حدیث بیشتر نباشد که ابوهریره آن را پنهان کرده و به مردم نگفته است، چون در این احادیث از مردم انجام کاری خواسته نشده و شاید احادیثی بوده است که فتنه ایجاد می‌کرده، یا مردم با تکیه بر آن عمل نمی‌کردند، یا اگر ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کرد آسیبی به او می‌رسید و یا او را تکذیب می‌کردند و یا غیر از این، ذهبی می‌گوید: پنهان کردن احادیثی که سبب ایجاد فتنه در اصول یا فروع

۱- البخاری: ۱۹۲/ ۱۹۳ کتاب العلم.

۲- مستدرک حاکم: ۵۰۹/ ۳.

شود یا احادیثی که در آن مدح و مذمت کسی بیان شده جایز است، اما حدیثی که متعلق به حلال یا حرامی باشد پنهان کردنش جایز نیست، چون آن حدیث از بینات و هدایت است یعنی باید برای مردم بیان شود^(۱).

و حافظ ابن کثیر می‌گوید: این ظرف و مجموعه‌ای که ابوهریره رضی الله عنه آن را آشکار نمی‌کرد موضوع فتنه‌ها و جنگ‌هایی بود که بین مردم اتفاق افتاد و خواهد افتاد، و اگر او قبل از وقوع این جنگ‌ها به آن اشاره می‌کرد مردم او را تکذیب می‌کردند^(۲).

۲- ابوهریره رضی الله عنه تنها صحابی نبود که بعضی از روایت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را پنهان کرده بود، و بلکه ثابت است که بعضی از صحابه رضی الله عنهم بعضی از احادیثی را که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده بودند پنهان کردند، از آن جمله معاذ بن جبل رضی الله عنه، مسلم از او روایت می‌کند که گفت: همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بر الاغی که به آن عفیر گفته می‌شد سوار شدم، فرمود: ای معاذ! آیا می‌دانی حق خداوند بر بندگان چیست و حق بندگان بر خداوند چیست؟ گفتم: خدا و رسول خدا بهتر می‌دانند، فرمود: حق خداوند بر بندگان این است که خدا را پرستند و چیزی را انباز و شریک او نکنند، و حق بندگان بر خداوند این است که کسی را که با او چیزی را شریک نمی‌کند عذاب ندهد، گفتم: ای رسول خدا آیا مردم را مژده ندهم، فرمود: «نه، آنان را مژده نده که با اعتماد به این حدیث در عمل سستی می‌ورزند»^(۳).

۱- سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۵۹۷.

۲- ابن کثیر: البداية والنهاية: ۸ / ۱۰۹.

۳- مسلم با شرح نووی ۱ / ۲۳۲.

و از آن جمله عباد بن صامت رضی الله عنه که از او روایت است که در بیماری مرگش گفت: هر حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌ام و خیری برایتان در آن نهفته بوده به شما گفته‌ام، به جز یک حدیث که آن را امروز در حالی که در آستانه مرگ قرار دارم برایتان بیان می‌کنم، از رسول خدا شنیدم که می‌گفت: «هرکسی گواهی دهد که هیچ معبود به حق جز الله نیست و محمد فرستاده خداست، خداوند دوزخ را بر او حرام نموده است»^(۱).

قاضی عیاض می‌گوید: «موارد زیادی هست که صحابه رضی الله عنهم حدیثی را که به انجام عمل و کاری فرمان نمی‌دهد و نیازی به آن نیست و یا به گونه ایست که عقل عوام آن را هضم نمی‌کند و یا بیم آن می‌رود که زیانی برای گوینده یا شنونده داشته باشد، روایت نکرده‌اند»^(۲).

۳- بزرگان صحابه رضی الله عنهم می‌گفتند کم روایت کنید، چون دلائلی بود که می‌طلبید که از پیامبر صلی الله علیه و آله کمتر روایت شود.

از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: کمتر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کنید جز احادیثی که به آن عمل می‌شود.

ابن کثیر می‌گوید: ممکن است عمر رضی الله عنه این هراس را داشت که مردم حدیث را نفهمد و بر احادیثی که رخصت هستند تکیه کنند، و یا بر این باور بود که اگر فرد زیاد روایت کند ممکن است در روایت‌ها اشتباه کند و مردم روایت را به صورت غلط از او یاد بگیرند^(۳).

۱- مسلم با شرح نووی: ۱ / ۲۲۹.

۲- مسلم با شرح نووی: ۱ / ۲۲۹.

۳- البدایة والنهایة ابن کثیر: ۸ / ۱۱۰.

و از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت است که گفت: «احادیثی برای مردم بگوئید که آن را می‌فهمند و آنچه را که نمی‌فهمند نگوئید، آیا دوست دارید خدا و پیامبرش تکذیب شود»^(۱).

همانطور که از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: «شما هیچ حدیثی برای قومی که به عقل‌شان نمی‌رسید بیان نمی‌کنید، مگر آن که آن حدیث برای بعضی از آنان سبب فتنه می‌شود»^(۲).

و کاملاً روشن است که آنچه ابوهریره رضی الله عنه پنهان کرده به دلایلی بوده که براساس آن دلایل دیگر صحابه پاره‌ای از روایت‌ها را پنهان کرده‌اند، و احادیثی که ذکر نکرده‌اند از احادیثی نیست که پیامبر صلی الله علیه و آله به رساندن آن امر کرده باشد.

شبهه پنجم: عزل شدن ابوهریره رضی الله عنه توسط عمر رضی الله عنه از فرمانداری بحرین
یکی از شبهاتی بعضی از منحرفین مطرح می‌کنند این است که اقدام عمر رضی الله عنه به عزل ابوهریره رضی الله عنه از فرمانداری بحرین در مورد امانتداری ابوهریره رضی الله عنه شک ایجاد می‌کند.
این شبهه به دلایل ذیل باطل است:

۱- عمر رضی الله عنه وقتی ابوهریره را از فرمانداری بحرین عزل نمود در امانتداری او تردیدی نداشت، و بلکه هدف از احضار ابوهریره رضی الله عنه و پرسیدن از دارایی‌اش و عزل او از فرمانداری به خاطر آن بود که پرسشی که در مورد رشد دارایی ابوهریره در بحرین مطرح بود را از بین ببرد، گرچه دارایی ابوهریره اموال محدودی بود، اما چنان‌که

۱- بخاری: ۱/۱۹۹.

۲- مقدمه شرح نووی بر مسلم: ۱/۷۶.

گفته‌اند: (هرگاه فقیر لباس جدیدی بپوشد می‌گویند: چه کسی این را به تو داده است؟) و به فرض آن که عمر رضی الله عنه در امانتداری او شک کرده باشد، شک عمر بعد از این که از ابوهریره جويا شد که این مال از کجا آمده و ابوهریره جواب قانع‌کننده‌ای داد، برطرف شد.

ایوب سختیانی از محمد بن سیرین روایت می‌کند که عمر ابوهریره را به عنوان عامل و فرماندار بحرین تعیین کرد، و ابوهریره وقتی از آنجا آمد ده هزار پول داشت، عمر به او گفت: ای دشمن خدا و دشمن کتابش! این اموال را به ناحق برای خود جمع کرده‌ای؟ ابوهریره گفت: دشمن خدا و کتابش نیستم، و بلکه دشمن کسی هستم که با خدا و کتابش دشمنی کند، عمر گفت: پس از کجا آورده‌ای؟ گفتم: اسبها زائیدند، برده فروختم، و هدایایی که پی در پی می‌آمد، آنگاه نگاه کردند دیدند همانطور است که او می‌گوید».

و از جمله اموری که تائید می‌کند که عمر رضی الله عنه به پاسخ ابوهریره رضی الله عنه قانع شد، این است که بار دیگر از او خواست که فرمانداری بحرین را قبول کند. در همین روایت آمده است: بعد از آن عمر ابوهریره را خواست تا او را فرماندار قرار دهد، اما او نپذیرفت، عمر گفت: فرمانداری را ناپسند می‌دانی و حال آن که یوسف علیه السلام که از تو بهتر بوده حکومت را خواسته است، ابوهریره گفت: یوسف پیامبر است و پسر پیامبر است، و من ابوهریره پسر کنیزکی بیش نیستم، و از پنج چیز می‌ترسم، می‌ترسم که بدون علم سخنی بگویم، و بدون بردباری قضاوت کنم، و این که زده شوم، و مالم از دستم گرفته شود، و ناسزا گفته شوم^(۱).

و این روایت؛ صحیح‌ترین روایت در مورد قضیه عزل ابوهریره از ولایت بحرین است، چون راویان آن ثقه و از طُرُق مختلفی از تابعی بزرگوار محمد

۱- سیر أعلام النبلاء: ۶۱۲/۲، البداية والنهاية: ۱۱۶/۸.

بن سیرین روایت شده است، و این روایت می‌گوید عمر رضی الله عنه او را به خاطر خیانت یا ضعف در امانتداری یا کوتاهی‌ورزیدن در انجام وظیفه عزل نکرده است، و اگر چنین می‌بود عمر رضی الله عنه دوباره از او درخواست نمی‌کرد که فرمانداری بحرین را به عهده بگیرد.

۲- یکی از سیاست‌های ویژه عمر رضی الله عنه در حکومت این بود که اگر کوچکترین شکایتی علیه فرمانداری می‌شد هرچند مقام‌شان بالا می‌بود و از پیشگامان به اسلام می‌بود او را مورد پیگرد و بازخواست قرار می‌داد، از این رو عمر رضی الله عنه ابوهریره و افرادی بالاتر از ابوهریره رضی الله عنه و کسانی که در سطح پائین‌تری بودند را مورد بازخواست قرار داده است، به عنوان مثال سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه یکی از پیشگامان به اسلام و یکی از ده نفری است که پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان مژده بهشت داده و فردی بود که دعایش اجابت ^(۱) می‌شد، و عمر او را از فرمانداری کوفه عزل کرد، و بعد از در وصیتی که به اعضای شورا کرد گفت: «اگر حکومت به سعد رسید که خوب است، و اگر او به عنوان خلیفه تعیین نشد، هرکسی که خلیفه شد از سعد کمک بگیرد، و بدانید که من او را به خاطر ناتوانی یا خیانتش عزل نکرده‌ام» ^(۲).

و عمیر بن سعد بن عبید انصاری صحابی بود که به او می‌گفتند: «عمیر فردی استثنایی و کم‌نظیری است، و گفته شده که عمر رضی الله عنه او را اینگونه

۱- البدایة والنہایة: ۷۰ / ۸، والإصابة: ۲ / ۳۳.

۲- البدایة والنہایة: ۷۵ / ۸، والإصابة: ۲ / ۳۴.

توصیف می‌کرد، و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که به عبدالرحمن بن عمیر بن سعد گفت: در شام هیچکسی بهتر از پدرتان نبوده است»^(۱).

و با وجود این ترمذی از ابی ادريس خولانی روایت می‌کند که عمر رضی الله عنه او را از فرمانداری حمص عزل کرد و به جای او صحابی دیگر را به عنوان فرماندار تعیین کرد^(۲).

پس بنابراین، توضیح خواستن عمر رضی الله عنه از بعضی از فرماندارانش و عزل کردن‌شان سیاست او بود، و حتماً به قصد محکومیت آنان نبود و شاید عمر رضی الله عنه می‌خواست این را سنتی برای خلفا و حکام بعد از خود قرار دهد.

شبهه ششم: متهم کردن ابوهریره رضی الله عنه به حمایت و طرفداری از بنی امیه
منحرفان فقط به پراکندن شبهات گذشته در مورد ابوهریره رضی الله عنه اکتفا نکرده‌اند، و گویا از ابوهریره خون یا مالی طلبکارند، چنان‌که ادعا کرده‌اند که ابوهریره از بنی امیه حمایت می‌کرده است و احادیثی به نفع معاویه رضی الله عنه در مذمت علی بن ابی طالب رضی الله عنه وضع کرده است، و در صورتی که این ادعای بدون دلیلی است و هیچ اساسی ندارد و به دلایل ذیل صحیح نیست:

۱- احادیثی که ادعا می‌شود از سوی او ساخته شده در هیچ یک از کتاب‌های حدیث نیامده، و مدعی باید ادعای خود را ثابت کند اگر راست می‌گوید، اما هرگز نمی‌تواند.

۲- چگونه این شایعه پراکنان پی بردند که ابوهریره رضی الله عنه حدیث جعل کرده است، و صحابه و تابعینی و بعد از آن‌ها علمای جرح و تعدیل که

۱- الإصابة: ۳ / ۳۲.

۲- سنن ترمذی: ۵ / ۳۵۱.

با هیچ کسی رو دروایی نداشته‌اند، نفهمیدند که ابوهریره رضی الله عنه حدیث جعل کرده است!

۳- چگونه ابوهریره رضی الله عنه حدیث جعل می‌کند و حال آن که او خودش یکی از راویان این گفته پیامبر صلی الله علیه و آله است که «هرکس قصداً بر من دروغ ببندد خودش را برای دوزخ آماده کند» که تقریباً چهل صحابی این حدیث را روایت کرده‌اند^(۱).

احادیثی که ابوهریره رضی الله عنه به نفع معاویه رضی الله عنه جعل کرده کدامند؟ تعدادشان چقدر است؟ و در چه کتاب‌هایی آمده‌اند تا ما جایگاه و وزن این احادیث را نزد کسانی که به حدیث عمل می‌کنند بدانیم.

۴- کتاب‌های مورد اعتماد؛ احادیث بسیاری از روایات صحیح ابوهریره را که در فضائل اهل بیت و خصوصاً علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت نموده، را نقل کرده‌اند و ما بخشی از این روایت‌ها را در موضوع (ابوهریره و اهل بیت رضی الله عنهم) ذکر نمودیم که نیازی به تکرار آن در اینجا نیست، و از طرفی در این کتاب‌ها از ابوهریره رضی الله عنه روایتی نیامده که در فضیلت معاویه رضی الله عنه یا کسی دیگر از بنی امیه باشد.

- ثابت نشده که ابوهریره رضی الله عنه در زمان معاویه رضی الله عنه به مسئولیت و مقامی رسیده باشد که بتوان آن را بهانه‌ای برای چنین شبهه باطلی قرار داد، جز این که روایت شده که در یکی از سفرهای حج مروان بن حکم ابوهریره رضی الله عنه در مدینه جانشین او بود^(۲).

۱- مسلم شرح نووی: ۶۸ / ۱.

۲- الطبقات ابن سعد: ۳۳۶ / ۴.

و این مقام فقط در حد پیشنهادی و سخنرانی در مسجد و امثال آن بود چون در این زمینه ابوهریره رضی الله عنه آماده بود و مردم او را قبول داشتند، نه این که چون مروان او را دوست داشت او را به عنوان جانشین خود مقرر کرد، زیرا که اختلاف مروان و ابوهریره چند بار آشکار گردید. چنان که ولید بن ربیع روایت می‌کند: از ابوهریره شنیدم که وقتی خواستند حسن را در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله دفن کنند و مروان اجازه نداد، ابوهریره رضی الله عنه به مروان گفت: تو امیر نیستی و بلکه والی کسی غیر از تو است، بگذار او را دفن کنند، اما تو در آنچه به تو ربطی ندارد دخالت می‌کنی و می‌خواهی کسی را که اینجا نیست با این کار از خود راضی نمایی. آنگاه مروان خشمگین شد و رو به ابوهریره کرد و گفت: گفته‌اند که ابوهریره زیاد حدیث از پیامبر روایت می‌کند، ابوهریره گفت: روز جنگ خیبر نزد پیامبر آمدم در حالی که سی سال و یا بیشتر سن داشتم و تا زمان وفات پیامبر با ایشان همراه بودم و همراه ایشان به خانه‌های همسرانش می‌رفتم و خدمت ایشان را انجام می‌دادم و همراه ایشان به جهاد و حج می‌رفتم و پشت سر ایشان نماز می‌خواندم، پس سوگند به خدا از همه مردم به احادیث ایشان آگاه‌ترم^(۱).

و در روایتی دیگر آمده است که ابوهریره رضی الله عنه به مروان گفت: «من اسلام آوردم و با اختیار و دلخواه خودم هجرت کردم و پیامبر صلی الله علیه و آله را به شدت دوست داشتم، اما شما که اهل خانه و در محل دعوت بودید دعوت‌گر را از سرزمین خودش بیرون کردید و ایشان و اصحابش را اذیت کردید، و بعد از من مسلمان شدید» آنگاه مروان از آنچه به او گفت پشیمان شد و از او دور شد^(۲).

۱- سیر أعلام النبلاء: ۲ / ۶۰۵، و البداية والنهاية ابن كثير: ۸ / ۱۱۱.

۲- البداية والنهاية: ۸ / ۱۲۲.

و همچنین از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: «به زودی زمانی بر مردم خواهد آمد که تعدادی گوسفند برای مردم از خانه مروان بهتر خواهد بود».^(۱) که در اینجا واضح است که او مروان را مورد انتقاد قرار می‌دهد، اما نیاز و شرایط چیزهای خاص خود را می‌طلبد.

در اختلاف علی و معاویه رضی الله عنهما، ابوهریره رضی الله عنه از هیچ یک از آنان طرفداری نکرد و او به همراه کسانی از صحابه که از فتنه کناره‌گیری کردند، از فتنه کناره‌گیری کرد، و بعد از آن که قبل از سال بیست و چهار هجری از بحرین بازگشت در مدینه سکونت گزید تا این که بعد از سال پنجاه هجری درگذشت، با وجود این از اتهامات دروغگویان سالم نمانده است و دروغگویان سخنانی را به او نسبت می‌دهند که آن را نگفته است از آن جمله که می‌گویند او گفته است: نماز پشت سر علی کاملتر است، کسانی که جاهلانه چنین اتهاماتی را به ابوهریره رضی الله عنه می‌زنند باید از این دروغ و باطل‌گرایی بپرهیزند، و آنان که از روی آگاهی چنین کارهایی می‌کنند از مبدأ و اصل اسلامی تجاوز کرده‌اند که می‌گوید:

﴿إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكٰذِبُونَ﴾ [النحل: ۱۰۵].

«تنها کسانی دروغ می‌بافند که به آیات الله ایمان نمی‌آورند و به راستی این‌ها دروغگویان‌اند».

به مبدا میکافیلی که می‌گوید: «هدف وسیله را توجیه می‌کند». کینه و دشمنی انسانی با انسانی دیگر سبب می‌شود تا به او دروغ نسبت دهد و اینگونه هوای نفس خود را راضی کند و به ندای گمراه‌کننده شیطان

لیک بگوید، و اساس همه شبهاتی که پیرامون این صحابی بزرگوار مطرح شده همین است. و رحمت خدا بر کسی باد که گفته است:

يا طالبی العلم والروایات إن الروایات ذات آفات

ای طالب علم و طالب روایت‌ها بدان که روایت‌ها آفت‌ها دارند.

لا تأخذوا العلم عن أخي تهم إلا عن جائز الشهادات

علم را از کسی که تهمت می‌زند یاد نگیرید و علم را فقط از کسانی فرا بگیرید که شهادت و گواهی آنان جایز است.

إذ ارضیتم منه الأمانة والدين: له طوفوا الأمانات

اگر امانت‌داری و دینداری او را پسندید به سراغ او بروید^(۱).

مطلب دوم: اسباب شبهه پراکنی در باره ابوهریره رضی الله عنه

شبهه پراکنی در مورد ابی هریره رضی الله عنه در ضمن حمله بر صحابه رضی الله عنهم و بر راویان صحابه به طور خاص مانند عمران بن حصین، و براء بن عازب و جابر بن عبدالله و ابوهریره رضی الله عنه و دیگران از سوی گروه‌هایی از زندیقان و بدعت‌گذاران و غیره که مورد حمله قرار گرفته‌اند مطرح شده است، و دشمنان اسلام از قبیل ملحدان و مستشرقیان و دیگر کسانی که دژ محکم اسلامی آنان را وحشت زده کرده و از خدمت‌گذاری فرزندان اسلام برای دین خود حیرت‌زده شده‌اند، این شبهات را زبان این باندهای هواپرست فرا گرفته‌اند.

و بعضی از معاصرین به شبهات نیاکان خود افزوده و کینه موروثی‌شان آنان را بر آن داشته که با انگیزه‌های متفاوتی که بیشتر هواپرستی و جهالت

و گاهی حب معروف شدن است، به حساب بهترین نسل این است و به لباس دین اسلام، دست به شبهه پراکنی زده‌اند که ابوهریره رضی الله عنه بیش از دیگر صحابه هدف این حمله ظالمانه و خیانتکارانه قرار گرفته است، اما این که چرا بیشتر ابوهریره رضی الله عنه را هدف قرار می‌دهند، عوامل زیادی دارد که مهم‌ترین آن عبارتند از:

- ابوهریره بیشترین تعداد حدیث صحیح را از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است.**
- ۱- اهمیت آنچه احادیث ابوهریره رضی الله عنه در بردارد، و مشتمل بودن اغلب آن احادیث بر امور دینی از قبیل عقاید و عبادات و معاملات و سلوک و اخلاق و غیره را.
 - ۲- بسیاری از احادیثی که متعلق به بعضی از قضایای اختلافی است را ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده و جمهور امت در اختلاف با دیگران با اساس قراردادن روایات ابوهریره رضی الله عنه از آن روایت علیه مخالفان استدلال کرده‌اند.
 - ۳- ائمه محدثین و بالاتر از همه بخاری و مسلم در کتاب‌هایشان احادیث ابوهریره رضی الله عنه را روایت کرده‌اند.

مهم‌ترین اهداف منتقدان و مخالفان ابوهریره رضی الله عنه عبارت است از:

- ۱- ایجاد تردید درباره او.
- ۲- ایجاد تردید درباره روایات او.
- ۳- ایجاد تردید و شک در مورد کتاب‌هایی که این روایات را ذکر کرده است، و این هدف نهایی دشمنان حدیث و همکاران‌شان از فریب‌خوردگان و مزدوران درگذشته و حال است.

۴- جاهل بودن نسبت به تاریخ زندگی ابوهریره رضی الله عنه و کیفیت فراگیری و حفظ احادیث و استعداد ویژه او برای این کار. کسانی که قصد بدی از انتقاد ندارند علت مخالفت آن‌ها جهالت است، اما اگر واقعاً قصد سوئی نداشته باشند.

شایسته است در اینجا مطالبی را که حاکم ابوعبدالله از حافظ بن ابی بکر بن خزیمه در مورد اسباب کینه‌ورزی نسبت به ابوهریره و دروغ نسبت‌دادن به او و حمله به روایاتش نقل کرده، خلاصه آن را ذکر نمایم، او می‌گوید: کسانی که علیه ابوهریره سخن می‌گویند تا روایت او را رد کنند کسانی هستند که خداوند دل‌هایش را کور کرده و معانی روایات را نمی‌فهمند، و یا منکر صفات خدا و از فرقه جهمیه هستند که وقتی احادیث ابوهریره را می‌شنوند که برخلاف مذهب آنان است به ابوهریره رضی الله عنه ناسزا می‌گویند و او را به اموری متهم می‌کنند که خداوند او را از آن پاک گردانیده است، و می‌خواهند اینگونه افراد ساده را گول بزنند و به دروغ ادعا می‌کنند که احادیث ابوهریره حجت نیست، و یا مخالفان ابوهریره از خوارج است که وقتی روایاتی که ابوهریره از پیامبر نقل می‌کند و با مذهب خوارج مخالف است و آنان چون نمی‌توانند با دلیل و برهان روایات او را رد کنند به ابوهریره توهین می‌کنند، یا مخالفان ابوهریره از فرقه قدریه هستند که مسلمین را که می‌گویند خداوند همه امور را در گذشته مقدر نموده کافر می‌شمارند، اینان وقتی احادیثی را می‌بینند که ابوهریره در اثبات مسئله قدر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده، و دلیلی برای اثبات مدعای خود ندارند از این رو می‌گویند احادیث ابوهریره قابل استدلال نیست، و یا مخالفان ابوهریره از افراد جاهلی است که فقه را از منبع آن نمی‌جوید و وقتی احادیث ابوهریره را بشنوند که مخالف مذهب فقهی اوست و به انتقاد از ابوهریره می‌پردازد و آن دسته از احادیث ابوهریره را که مخالف مذهب فقهی اوست را رد می‌کند

... تا آنجا که می‌گوید: و بعضی از این فرقه‌ها به احادیثی از روایات ابوهریره اعتراض کرده‌اند که معنای آن را نفهمیده‌اند^(۱).

چنین به نظر می‌آید که کسانی که امام ابن خزیمه از آن‌ها نام برده است، سلف بعضی از معاصرین امروز هستند که بعضی از احادیث را رد می‌نمایند. و امام یحیی بن معین چقدر دقیق می‌گوید: محمد بن عبدالله انصاری قضاوت شایسته بود به او گفتند: ای ابا زکریا! حدیث؟ او گفت:

«للحرب أقوام خلقوا لها: وللدواوین حساب وکتاب»^(۲).

«جنگ اقوامی دارد که برای آن آفریده شده‌اند و دیوان‌ها و دفترها حساب‌کنندگان و نویسندگانی دارند».

۱- مستدرک حاکم: ۳ / ۵۱۳.

۲- الکفایة خطیب: ۹۳.

خاتمه

در طی این بررسی سریع زندگی صحابی بزرگوار ابوهریره رضی الله عنه روشن گردید که ایشان دارای ویژگی‌های برجسته‌ای بوده که در ساختار شخصیت و بالابودن جایگاه و انتشار دانش ایشان نقش اساسی داشته است.

مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت است از:

۱- اسلام‌آوردن او و همراهی او بیش از چهار سال با پیامبر صلی الله علیه و آله، و به دست‌آوردن دانش بسیار و انواع هدایت و معرفت به لطف این همراهی.

۲- محبت ابوهریره رضی الله عنه با پیامبر صلی الله علیه و آله، و تلاش او به پیروی از ایشان و الگوبرداری از ایشان در گفتار و کردار خود که این الگوبرداری در اکثر گوشه‌های سلوک و عمل ابوهریره خود را نشان داده است.

۳- عبادت و تقوای او و یادآوری فراوان از مرگ و هراس وی از قیامت و پناه‌بردنش به خداوند از جهنم.

۴- تواضع و فروتنی و سخاوتمندی و خوش‌اخلاقی و شوخ‌طبعی و صراحت‌گویی، و محبت مردم با او.

۵- نشر علم، اهتمام‌ورزیدن به دعوت دادن به دین، و استفاده او از شیوه‌های گوناگون در امر دعوت او را از بارزترین دعوتگران و ناشران علم در میان صحابه رضی الله عنهم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، قرار داده بود.

۶- کثرت روایات او و صحت آن، و حافظه قوی او.

۷- ثبوت عدالت ایشان چون صحابی است، و ثبوت صحت و درست بودن روایات ایشان چون بسیاری از صحابه رضی الله عنهم از او روایت

کرده‌اند و بعضی از حفظ و علم ابوهریره رضی الله عنه تقدیر کرده‌اند، و صدها تن از تابعین از او روایت کرده و از او تقریر نموده و او را موثق شمرده‌اند، و همچنین علمایی که بعداً آمده‌اند ابوهریره رضی الله عنه را ثقه شمرده‌اند.

۸- در اختلافاتی که در ایام او بین بعضی از صحابه روی داد ابوهریره رضی الله عنه بی‌طرف بود.

۹- آل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست می‌داشت و بسیاری از مناقب و فضائل آنان را روایت کرده است، و چیزی ثابت نیست که بیانگر آن باشد که اهل بیت از او ناراضی بوده‌اند.

۱۰- شبهاتی که پیرامون ابوهریره رضی الله عنه مطرح شده شبهات پوچی است، و مهم‌ترین اسبابی که آن سوی این شبهات پنهان است را در مطالب گذشته بیان کردیم.

۱۱- بعضی از اهل بدعت احادیثی در جهت تائید بدعت‌های خود وضع کرده‌اند تا اینگونه در مورد ابوهریره رضی الله عنه و روایاتش تردید ایجاد نمایند، در حالیکه احادیث وضع شده چون مشتمل بر مخالفت‌های واضح با حقائق دین و تعالیم روشن آن است مشخص است که جعل شده‌اند.

و آنچه از ویژگی‌های زندگی ایشان ذکر شد نشانه جایگاه والای ایشان است و بیانگر آن است که توهین به او حرام است و همچنین به دیگر صحابه رضی الله عنهم حرام و بی‌وفایی نسبت به آنان است و به معنی نادیده‌گرفتن تلاش‌های سستبر آنان در راه کمک به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و نقل تعالیم دینی به نسل‌های بعدی، است. تلاش‌های آنان بوده که امروزه اسلام بدون زحمت و رنج و مشقت به دست ما رسیده، و توهین به صحابه رضی الله عنهم یعنی بی‌توجهی و توهین به آیت کریمه قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله که فضیلت و

جایگاه صحابه را بیان کرده‌اند و اهانت به آنان را حرام شمرده‌اند، و توهین به آنان یعنی اهانت به جایگاه والای صحبت و همراهی با پیامبر ﷺ، چون فضیلت همراه از فضیلت کسی است که با او همراه است. در این سخنان هشدار و بیم هست برای کسی که دلی آگاه داشته باشد و با حضور قلب گوش فرا دهد. و الله سخن حق را می‌گوید و به راه راست هدایت می‌نماید و او برای ما کافی است و او بهترین وکیل است.

مجموعه علمی فرهنگی موحدین



contact@mowahedin.com